

احکام نماز

نماز

اهمیت نماز

نماز رابطه انسان با خداست و مایه صفای روح و پاکی دل و پیدایش روح تقوا و تربیت انسان و پرهیز از گناهان است. نماز مهمترین عبادات است که طبق روایات اگر قبول درگاه خدا شود عبادات دیگر نیز قبول خواهد شد و اگر قبول نگردد اعمال دیگر نیز قبول نخواهد شد. و نیز بر طبق روایات، کسیکه نمازهای پنجگانه را انجام می دهد از گناهان پاک می شود همان گونه که اگر شبانه روز پنج مرتبه در نهر آبی شست و شو کند اثری از آلودگی در بدنش باقی نمی ماند. به همین دلیل، در آیات قرآن مجید و روایات اسلامی و وصایای سفارشهای پیغمبر اکرم (صلی الله علیه وآله) و ائمه هدی (علیهم السلام) از مهمترین کارهایی که روایات تأکید شده همین نماز است و لذا ترک نماز از بزرگترین گناهان کبیره محسوب می شود.

سزاوار است انسان نماز را در اوّل وقت بخواند و به آن اهمیت بسیار دهد و از تند خواندن نماز که ممکن است مایه خرابی نماز گردد جداً پرهیزد.

در حدیث آمده است روزی پیغمبر اکرم (صلی الله علیه وآله) مردی را در مسجد مشغول نماز دید که رکوع و سجود را بطور کامل انجام نمی دهد، فرمود: اگر این مرد از دنیا برود در حالی که نمازش این گونه باشد به دین من از دنیا نخواهد رفت.

روح نماز «حضور قلب» است و سزاوار است از آنچه مایه پراکندگی حواس می شود پرهیزد، معانی کلمات نماز را بفهمد و در حال نماز به آن توجه داشته باشد و با حال خضوع و خشوع نماز را انجام دهد، بداند با چه کسی سخن می گوید و خود را در مقابل عظمت و بزرگی خداوند بسیار کوچک ببیند.

در حالات معصومین (علیهم السلام) آمده است به هنگام نماز آنچنان غرق یاد خدا می شدند که از خود بی خبر می گشتند، تا آنجا که پیکان تیری در پای امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) مانده بود، در حال نماز بیرون آوردند و آن حضرت متوجه نشد.

برای قبولی نماز و کمال و فضیلت آن علاوه بر شرایط واجب باید امور زیر را نیز رعایت کند:

قبل از نماز از خطاهای خود توبه و استغفار نماید و از گناهی که مانع قبول نماز است مانند «حسد» و «تکبر» و «غیبت» و «خوردن مال حرام» و «آشامیدن مسکرات» و «ندادن خمس و زکات» بلکه هر معصیتی پرهیزد.

همچنین سزاوار است کارهایی که ارزش نماز و حضور قلب را کم می کند انجام ندهد، مثلاً در حال خواب آلودگی و خودداری از بول و در میان سر و صداها و در برابر منظره هایی که جلب توجه می کند به نماز نایستد و کارهایی که ثواب نماز را زیاد می کند انجام دهد، مثلاً لباس پاکیزه بپوشد، موهای خود را شانه زند و مسواک کند و خود را خوشبو نماید و انگشتر عقیق به دست کند.

نمازهای واجب

مسئله ۶۶۹- نمازهای واجب شش نماز است: ۱- نمازهای یومیّه، ۲- نماز طواف واجب خانه خدا، ۳- نماز آیات، ۴- نماز میّت، ۵- نماز قضای پدر و مادر که بر پسر بزرگتر به شرحی که می آید واجب است، ۶- نماز نافله ای که به واسطه نذر و عهد و قسم واجب شده است.

نمازهای واجب یومیّه

مسئله ۶۷۰- نمازهای واجب یومیّه پنج نماز است: نمازهای «ظهر» و «عصر» که هر کدام چهار رکعت است، نماز «مغرب» سه رکعت، نماز «عشاء» چهار رکعت و نماز «صبح» دو رکعت، اما در سفر باید نماز چهار رکعتی را با شرایطی که بعداً به خواست خدا می آید دو رکعت بخواند.

اوقات نمازهای پنجگانه

وقت نماز ظهر و عصر

مسئله ۶۷۲- وقت نماز ظهر و عصر از اوّل ظهر شرعی (یعنی مایل شدن خورشید از وسط آسمان به سوی مغرب) تا هنگام غروب آفتاب است و بهترین راه برای پی بردن به دخول وقت ظهر استفاده از شاخص است و آن این است که قطعه چوب صاف یا میله ای را در زمین هموار بطور عمودی فرو کند، صبح که خورشید بیرون می آید سایه آن به طرف مغرب می افتد و هر چه آفتاب بالا آید این سایه کم می شود، هنگامی که سایه به آخرین درجه کمی رسید موقع ظهر است و همین که رو به زیادی گذارد و سایه به سوی مشرق برگشت اوّل وقت نماز ظهر و عصر است، البته در بعضی از شهرها مثل مکه در بعضی از روزهای سال هنگام ظهر سایه بکلی از بین می رود و آفتاب کاملاً عمودی می تابد، در این گونه مناطق موقعی که مجدداً سایه پیدا شد وقت نماز ظهر و عصر شده است. (۱)

مسئله ۶۷۳- نمازهای ظهر و عصر هر کدام «وقت مخصوص» و «وقت مشترکی» دارد: وقت مخصوص نماز ظهر از اوّل ظهر است تا موقعی که به اندازه خواندن نماز ظهر بگذرد و وقت مخصوص نماز عصر موقعی است که به اندازه خواندن یک نماز به غروب باقی مانده باشد و اگر کسی تا این موقع نماز ظهر را نخوانده نماز ظهر او قضا شده و باید نماز عصر را بخواند و ما بین این دو، وقت مشترک نماز ظهر و عصر است.

مسئله ۶۷۴- هرگاه پیش از خواندن نماز ظهر سهواً مشغول خواندن نماز عصر شود و در بین متوجه گردد، چنانچه در وقت مشترک باشد باید عدول کند، یعنی نیت خود را به نماز ظهر برگرداند و قصد کند آنچه خوانده نماز ظهر است و به همین ترتیب آن را ادامه دهد و بعد از آن که تمام کرد نماز عصر را بخواند و اگر در وقت مخصوص ظهر باشد نماز او باطل است و باید نماز را به نیت ظهر از سر بگیرد.

وقت نماز مغرب و عشا

مسئله ۶۷۵- مغرب موقعی است که قرص آفتاب در افق پنهان شود و احتیاط آن است که صبر کند تا سرخی طرف مشرق که بعد از غروب آفتاب پیدا می شود از

بالای سر بگذرد و به طرف مغرب برگردد، هنگام مغرب وقت نماز مغرب و عشا وارد می شود و تا نیمه شب ادامه دارد.

۱. باید توجه داشت که ساعت ۱۲ همیشه ظهر شرعی نیست، بلکه در بعضی از مواقع سال ظهر شرعی قبل از ۱۲ و گاهی بعد از ساعت ۱۲ است و ساعت ۱۲ ساعت قراردادی و رسمی است نه شرعی.

مسئله ۶۷۶- نماز مغرب و عشاء نیز هر کدام وقت مخصوص و وقت مشترکی دارند، وقت مخصوص نماز مغرب از اول مغرب است تا به اندازه سه رکعت و اگر کسی مسافر باشد و تمام نماز عشا را در این وقت بخواند باطل است، هر چند از روی سهو باشد. و وقت مخصوص نماز عشا موقعی است که به اندازه خواندن نماز عشا به نصف شب باقی مانده باشد و اگر کسی عمداً تا این موقع نماز مغرب را تأخیر اندازد باید اول نماز عشا را بخواند و بعد نماز مغرب را قضا کند و در میان این دو، وقت مشترک است، اگر کسی در این وقت اشتبهاً نماز عشا را قبل از نماز مغرب بخواند و بعد از نماز متوجه شود، نمازش صحیح است و باید نماز مغرب را بعداً به جا آورد.

مسئله ۶۷۷- وقت مخصوص و مشترک که معنی آن در مسئله پیش گفته شد برای اشخاص فرق می کند مثلاً برای مسافر در مورد نماز ظهر و عصر و عشا به اندازه دو رکعت است و برای حاضر به اندازه خواندن چهار رکعت.

مسئله ۶۷۸- هرگاه از روی غفلت یا فراموشی شروع به نماز عشا کند و در اثنا بفهمد که نماز مغرب را نخوانده باید نیت را به نماز مغرب برگرداند، مگر این که وارد رکوع رکعت چهارم شده باشد که در این صورت عدول جایز نیست و باید ادامه دهد و نماز مغرب را بعد به جا آورد.

مسئله ۶۷۹- آخر وقت نماز عشا نصف شب است و احتیاط واجب آن است که شب را از اول غروب آفتاب تا اذان صبح حساب کند ولی برای نماز شب و مانند آن تا اول آفتاب حساب کند.

مسئله ۶۸۰- هرگاه عمداً نماز مغرب و عشا را تا نصف شب نخواند وقت آن گذشته و باید قضا کند، اما اگر به واسطه عذری نخوانده باشد باید تا قبل از نماز صبح به جا آورد و نماز او ادا است.

وقت نماز صبح

مسئله ۶۸۱- وقت اذان صبح (برای نماز و روزه) در شبهای مهتابی و غیر مهتابی یکسان است و معیار، ظاهر شدن نور شفق در افق است، هر چند بر اثر تابش مهتاب نمایان نباشد، و وقت نماز صبح از اول طلوع فجر صادق است تا طلوع آفتاب و فجر صادق سپیده صبح است که در افق پهن می شود و بهتر است نماز صبح را قبل از روشن شدن هوا در همان تاریکی اول صبح به جا آورد.

احکام اوقات نماز

مسئله ۶۸۲- هنگامی انسان می تواند مشغول نماز شود که یقین به داخل شدن وقت پیدا کند، یا لاقلاً یک مرد عادل خبر از ورود وقت دهد، اذان شخص وقت شناس و مورد اطمینان نیز کافی است و اگر گمان قوی به دخول وقت از راههای دیگر پیدا کند نیز کفایت می کند، خواه از روی ساعت صحیح باشد یا غیر آن.

مسئله ۶۸۳- کسانی که به واسطه وجود مانع در آسمان (مانند ابر و غبار) و یا گرفتاری در زندان و یا نداشتن بینایی چشم، نمی توانند یقین به دخول وقت پیدا کنند، چنانچه گمان قوی داشته باشند می توانند مشغول نماز شوند.

مسئله ۶۸۴- هرگاه مطابق دستورهای بالا مشغول نماز شود و در بین نماز بفهمد که هنوز وقت داخل نشده، نماز او باطل است، همچنین اگر بعد از نماز بفهمد که تمام نماز را پیش از وقت خوانده باید نماز را اعاده کند، ولی اگر در بین نماز یا بعد از نماز بفهمد وقت داخل شده بود نمازش صحیح است.

مسئله ۶۸۵- هرگاه انسان بر اثر غفلت و فراموشی مشغول نماز شود بی آن که از دخول وقت با خبر گردد چنانچه تمام نمازش در وقت واقع شده باشد صحیح است و اگر همه یا قسمتی از آن پیش از وقت بود نمازش باطل است.

مسئله ۶۸۶- هرگاه بعد از نماز شک کند نماز را در وقت خوانده یا نه، نماز او صحیح است، به شرط آن که هنگام شروع نماز غافل از وقت نباشد ولی اگر در بین نماز شک کند، نماز او باطل است و باید پس از دخول وقت اعاده کند.

مسئله ۶۸۷- در تنگی وقت اگر انجام مستحبات نماز باعث شود مقداری از واجبات در خارج وقت واقع گردد باید آن مستحبات را ترک کند (مانند قنوت و اقامه).

مسئله ۶۸۸- کسی که به اندازه یک رکعت نماز وقت دارد باید تمام نماز را به نیت ادا بخواند، ولی تأخیر انداختن نماز تا این حد حرام است، بنابر این اگر به اندازه پنج رکعت تا مغرب وقت داشته باشد نماز ظهر و عصر را به نیت ادا بخواند و به همین ترتیب سایر نمازها.

مسئله ۶۸۹- یکی از مستحبات مؤکد این است که نماز را در اول وقت فضیلت آن بخوانند و در روایات راجع به آن بسیار سفارش شده است و هرچه به اول وقت فضیلت نزدیکتر باشد بهتر است.

مسئله ۶۹۰- کسانی که دارای عذری هستند و یقین دارند عذرشان تا آخر وقت برطرف می شود واجب است صبر کنند و چنانچه یقین داشته باشند عذر باقی می ماند، صبر کردن واجب نیست، اما اگر احتمال می دهند برطرف شود احتیاط واجب آن است که صبر کنند، مگر در مورد تیمم که می توانند در چنین صورتی در اول وقت نماز بخوانند.

مسئله ۶۹۱- کسی که مسائل نماز یا شکایات و سهویات را نمی داند و احتمال می دهد در نمازش پیش آید باید برای یادگرفتن اینها نماز را از اول وقت تأخیر بیندازد، ولی اگر اطمینان دارد که می تواند نماز را بطور کامل تمام کند جایز است در اول وقت مشغول نماز شود.

مسأله ۶۹۲- هرگاه در نماز مسأله ای پیش آید که حکم آن را نمی داند می تواند به یکی از دو طرفی که احتمال می دهد به قصد رجاء عمل کند و باید بعد از نماز مسأله را سؤال کند که اگر باطل بوده دوباره بخواند (و احتیاط آن است طرفی را که بیشتر احتمال می دهد بگیرد).

مسأله ۶۹۳- هرگاه ببیند مسجد نجس شده بهتر این است اول مسجد را تطهیر کند بعد نماز بخواند، همچنین اگر طلبکاری ایستاده و طلب خود را مطالبه می کند، اگر نماز و مقدمات آن وقت زیادی را بگیرد واجب است اول تطهیر مسجد کند و اداء دین نماید بعد نماز بخواند، اگر بر خلاف این دستور عمل کند معصیت کرده ولی نمازش صحیح است و در تنگی وقت، نماز مقدّم است.

مسأله ۶۹۴- مستحبّ است پنج نماز را در پنج وقت به جا آورد، یعنی هر کدام را در وقت فضیلت خود انجام دهد و تنها فاصله دادن به مقدار نافله یا تعقیبات کافی نیست، بلکه معیار همان وقت فضیلت است.

مسأله ۶۹۵- وقت فضیلت نماز ظهر تا موقعی است که سایه شاخص به اندازه خود شاخص شود (منظور سایه ای است که از ظهر به بعد پیدا می شود) و وقت فضیلت عصر از موقعی که سایه شاخص به اندازه خود آن است تا موقعی که به اندازه دو برابر آن شود و وقت فضیلت نماز مغرب از غروب است تا ناپدید شدن حمرة مغریّه (رنگ سرخی که بعد از غروب آفتاب در مغرب ظاهر می شود) و وقت فضیلت نماز عشاء از موقعی است که سرخی مزبور ناپدید می شود تا یک سوم از شب و وقت فضیلت نماز صبح از اول طلوع فجر سپیده صبح است تا موقعی که هوا روشن شود.

ترتیب در میان نمازها

مسأله ۶۹۶- نماز ظهر و عصر باید به ترتیب خوانده شود، یعنی اول نماز ظهر، بعد نماز عصر، همچنین باید در میان نماز مغرب و عشا نیز ترتیب رعایت شود و اگر عمداً نماز عصر را پیش از نماز ظهر، یا عشا را پیش از نماز مغرب بخواند باطل است.

مسأله ۶۹۷- هرگاه به نیت نماز ظهر، نماز را شروع کند و در بین نماز یادش بیاید که نماز ظهر را خوانده است نمی تواند نیت نماز را به عصر برگرداند و نماز او باطل است، همچنین در مورد نماز مغرب و عشا، اما اگر نیت نماز عصر کند و بعد متوجه شود که نماز ظهر را نخوانده هر جای نماز باشد می تواند نیت خود را به ظهر برگرداند، همچنین اگر شروع به نماز عشا کرده و متوجه شود نماز مغرب را نخوانده اگر قبل از رکوع رکعت چهارم متوجه شود نیت را بر می گرداند، ولی اگر بعد از رکوع رکعت چهارم متوجه شود نماز را به نیت عشا تمام می کند، بعداً نماز مغرب را می خواند و احتیاطاً نماز عشا را نیز اعاده کند.

مسأله ۶۹۸- اگر در اثناء نماز عصر شک کند که آیا نماز ظهر را خوانده یا نه، باید به همان دستور که در مسأله قبل گفته شد عمل کند، یعنی نیت را به ظهر برگرداند و بعداً عصر را بخواند، همچنین اگر در وسط نماز عشاء شک کند که نماز مغرب را خوانده یا نه، باید به دستور گذشته عمل کند.

مسأله ۶۹۹- عدول از نماز قضا به نماز ادا و از نماز مستحب به نماز واجب، جایز نیست، ولی عدول از نماز ادا به قضا جایز است و اگر نماز قضا، قضای همان روز باشد احتیاط واجب این است که عدول کند و بعد از فراغت از نماز قضا، نماز ادا را بخواند، البته این در صورتی است که جای عدول باقی باشد، مثلاً در صورتی

می تواند نیت را به قضای صبح برگرداند که داخل رکعت سوم از نماز ظهر نشده باشد.

نمازهای نافله (مستحب)

مسئله ۷۰۰- نمازهای مستحبی بسیار است و آنها را «نافله» گویند و از میان نمازهای نافله، نافله های شبانه روزی بیشتر سفارش شده است.

مسئله ۷۰۱- نافله های شبانه روزی عبارتند از: نافله ظهر هشت رکعت و نافله عصر نیز هشت رکعت است، نافله مغرب چهار رکعت و نافله عشا دو رکعت است که نشسته خوانده می شود، نافله شب یازده رکعت و نافله صبح دو رکعت است و چون دو رکعت نافله عشا یک رکعت حساب می شود، مجموع این نافله ها سی و چهار رکعت خواهد بود، ولی در روز جمعه سی و هشت رکعت است زیرا چهار رکعت به نافله ظهر و عصر اضافه می شود (همه نافله ها دو رکعت دو رکعت خوانده می شود).

مسئله ۷۰۲- از یازده رکعت نافله شب هشت رکعت را به نیت «نافله شب» و دو رکعت آن به نیت «نافله شفع» و یک رکعت به نیت «نافله وتر» به جا می آورد.

مسئله ۷۰۳- نافله شب از مهمترین نمازهای نافله است که در روایات اسلامی قرآن مجید روی آن تاکید شده و تأثیر عمیقی در صفای روح و پاکی قلب و تربیت نفوس انسانی و حل مشکلات دارد و در کتب معروف دعا، آدابی برای آن ذکر کرده اند، مخصوصاً برای قنوت نافله وتر، رعایت این آداب خوب است ولی می توان نماز شب را بدون این آداب مانند نمازهای معمولی نیز انجام داد و کسی که به علتی نتواند آخر شب بیدار شود و نماز شب را بخواند می تواند قبل از خواب آنها را به جا آورد.

مسئله ۷۰۴- نماز نافله را می توان نشسته خواند، ولی در این صورت احتیاط این است که هر دو رکعت را یک رکعت حساب کند، مثلاً به جای هشت رکعت نافله ظهر ایستاده، شانزده رکعت نشسته بخواند.

مسئله ۷۰۵- نافله ظهر و عصر در سفر ساقط است و نباید خواند و احتیاط آن است که نافله عشا را نیز ترک کند، اما بقیه نافله های شبانه روزی یعنی نافله صبح و مغرب و نافله شب در سفر ساقط نمی شود.

مسئله ۷۰۶- چنان که گفتیم نمازهای نافله را باید دو رکعت دو رکعت انجام داد، جز نافله وتر، که یک رکعت است و اگر بخواند نافله وتر رانشسته بخواند باید دو نماز یک رکعتی جداگانه به جا آورد.

وقت نافله های شبانه روزی

مسئله ۷۰۷- وقت نافله ظهر قبل از نماز ظهر است، از اول ظهر تا موقعی که سایه شاخص که بعد از ظهر پیدا می شود بیشتر از دو هفتم طول شاخص شود، مثلاً اگر طول شاخص هفت و ربع است هر وقت مقدار سایه ای که بعد از ظهر پیدا می شود بیشتر از دو و ربع شود وقت نافله ظهر تمام شده.

مسأله ۷۰۸- وقت نافله عصر که قبل از نماز عصر خوانده می شود تا موقعی است که سایه شاخص به چهارهفتم آن برسد به شرحی که در مسأله پیش گفتیم.

مسأله ۷۰۹- وقت نافله مغرب بعد از نماز مغرب است تا موقعی که سرخی طرف مغرب که بعد از غروب آفتاب پیدا می شود از بین برود.

مسأله ۷۱۰- وقت نافله عشا بعد از تمام شدن نماز عشا است تا نصف شب و بهتر [۱۴۱]

است بعد از نماز عشا بلافاصله خوانده شود.

مسأله ۷۱۱- وقت نافله صبح پیش از نماز صبح است از طلوع فجر تا آشکار شدن سرخی در طرف مشرق و می تواند آن را بعد از نماز شب بلافاصله به جا آورد.

مسأله ۷۱۲- وقت نافله شب بنا بر احتیاط از نصف شب است تا اذان صبح، ولی بهتر است در موقع سحر یعنی در ثلث آخر شب بخواند.

نماز غفيله

مسأله ۷۱۳- از نمازهایی که به جا آوردن آن به امید ثواب پروردگار خوب است نماز غفيله است که بین نماز مغرب و عشا خوانده می شود و وقت آن بعد از نماز مغرب است تا موقعی که سرخی طرف مغرب از بین برود، در رکعت اول بعد از حمد به جای سوره این آیه را می خواند:

«وَذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الغَمِّ وَكَذَلِكَ نُنَجِّي الْمُؤْمِنِينَ» و در رکعت دوم بعد از حمد به جای سوره این آیه را بخوانند: «وَ عِنْدَهُ مَفَاتِحُ الغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَ يَعْلَمُ مَا فِي البُرِّ وَ البَحْرِ وَ مَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَ لَا حَبَّةٌ فِي ظُلُمَاتِ الأَرْضِ وَ لَا رَطْبٌ وَ لَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ» و در قنوت آن بگویند: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَفَاتِحِ الغَيْبِ الَّتِي لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا أَنْتَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَ كَذَا» و به جای کلمه کذا و کذا حاجتهای خود را بگویند و بعد بگویند: «اللَّهُمَّ أَنْتَ وَلِي نِعْمَتِي وَ القَادِرُ عَلَي طَلِبَتِي تَعْلَمُ حَاجَتِي فَاسْأَلْكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ لِمَا قَضَيْتَهَا لِي».

مقدمات نماز

احكام قبله

مسأله ۷۱۴- تمام نمازهای واجب باید رو به قبله خوانده شود

مسأله ۷۱۵- «خانه کعبه» که در مکه معظمه است قبله تمام مسلمین دنیاست و هرکس در هر جا باشد باید روبروی آن نماز بخواند، اما کسی که دور است اگر طوری بایستد که بگویند رو بقبله نماز می خواند کافی است، بنابراین صفهای طولانی نماز جماعت که طول آنها از طول خانه خدا بیشتر است همه می تواند رو به قبله باشد.

مسئله ۷۱۶- لازم نیست در موقع ایستادن، نوک انگشتان پا هم رو به قبله باشد، یا در موقع نشستن، سر زانوها کاملاً رو به قبله قرار گیرد، همین اندازه که بگویند رو به قبله ایستاده یا نشسته کفایت می کند.

مسئله ۷۱۷- کسی که نمی تواند نماز را نشسته بخواند باید به پهلوئی راست طوری بخوابد که جلو بدنش روبه قبله باشد و اگر آن هم ممکن نیست به پهلوئی چپ طوری بخوابد که جلو بدنش رو به قبله باشد و اگر این را هم نمی تواند باید به پشت بخوابد بطوری که کف پاهای او رو به قبله باشد.

مسئله ۷۱۸- در نماز احتیاط و سجده و تشهد فراموش شده نیز باید رو به قبله باشد و در سجده سهو احتیاط واجب نیز همین است.

مسئله ۷۱۹- جایز است نماز مستحبی را در حال راه رفتن و سواره بخواند و در این حال لازم نیست رو به قبله باشد.

مسئله ۷۲۰- برای تعیین قبله راههای زیادی وجود دارد؛ نخست کوشش کند تا یقین حاصل نماید و نیز می تواند به گفته دو شاهد عادل و یا یک فرد مورد اطمینان که از روی نشانه های حسّی شهادت می دهد و یا به قول کسی که از روی قاعده علمی قبله را می شناسد و محلّ اطمینان است عمل کند و اگر اینها ممکن نشد باید به گمانی که از محراب مسجد مسلمانان یا قبرهای آنان یا از راههای دیگر پیدا می شود عمل نماید.

مسئله ۷۲۱- قبله نماهای معمولی در صورتی که سالم باشد از وسایل خوب برای شناخت قبله است و گمان حاصل از آن کمتر از گمان از راههای دیگر نیست، بلکه غالباً دقیق تر است.

مسئله ۷۲۲- به گفته صاحب منزل یا مسؤول یک مسافرخانه و مانند آن در صورتی که فرد بی مبالا نباشد می توان اعتماد کرد.

مسئله ۷۲۳- هرگاه راهی برای پیدا کردن قبله وجود نداشته باشد و قبله در میان چهار سمت مختلف مردّد شود یک نماز به یک طرف کافی است، ولی احتیاط مستحب آن است که چهار نماز به چهار طرف بخواند و هرگاه در سه طرف یا دو طرف احتمال وجود قبله را می دهد فقط به سمت آنها نماز بخواند.

مسئله ۷۲۴- کسی که می خواهد به چند طرف نماز بخواند اگر بخواهد نماز ظهر و عصر یا مغرب و عشا را به جا آورد بهتر آن است نماز اوّل را به چند طرف تمام کند بعد نماز دوم را شروع نماید.

مسئله ۷۲۵- سر بریدن حیوانات نیز باید رو به قبله باشد و هرگاه قبله را پیدا نکند باید به گمان خود عمل نماید و اگر تحصیل گمان ممکن نیست و نیاز به سر بریدن حیوان دارد به هر طرف که انجام دهد صحیح است و در مورد دفن مسلمان که باید رو به قبله باشد نیز به همین ترتیب باید عمل کرد.

آداب و احکام مسجد

مسئله ۸۲۳- نجس کردن مسجد حرام است، خواه زمین مسجد باشد و یا سقف و بام و طرف داخل دیوارها و احتیاط واجب آن است که طرف بیرون دیوار مسجد را هم نجس نکند، مگر آن که واقف آن را جزء مسجد قرار نداده باشد.

مسئله ۸۲۴- هرگاه مسجد نجس شود بر همه لازم است که بطور واجب کفائی نجاست را برطرف کنند، یعنی اگر یک یا چند نفر اقدام به تطهیر کنند از دیگران ساقط می شود و گرنه همه گنهکارند و کسی که مسجد را نجس کرده در این حکم با دیگران تفاوتی ندارد.

مسئله ۸۲۵- هرگاه نتواند مسجد را تطهیر کند مثل این که مسافر و در حال عبور باشد، یا احتیاج به کمک دارد و پیدا نکند، احتیاط واجب آن است که به دیگران که می توانند تطهیر کنند اطلاع دهد.

مسئله ۸۲۶- هرگاه جایی از مسجد نجس شود که تطهیر آن بدون کندن یا خراب کردن ممکن نیست باید آنجا را بکنند، یا اگر خرابی زیادی لازم نمی آید خراب نمایند و بنا بر احتیاط واجب جایی را که کنده اند یا خراب کرده اند به حالت اول بازگردانند و بهتر است کسی که نجس کرده تعمیر آن را بر عهده گیرد و اگر مخارجی داشته باشد بنا بر احتیاط واجب ضامن است.

مسئله ۸۲۷- هرگاه مسجدی را غصب کنند و آن را از صورت مسجد بکلی در آورند، بطوری که دیگر به آن مسجد نگویند، باز هم نجس کردن آن بنا بر احتیاط حرام است و تطهیر آن لازم است.

مسئله ۸۲۸- آلوده کردن حرم پیامبر (صلی الله علیه وآله) و امامان (علیهم السلام) اگر موجب هتک باشد حرام است و در این صورت تطهیر آن نیز واجب است، بلکه اگر بی احترامی هم نباشد احتیاط آن است که آن را تطهیر کنند.

مسئله ۸۲۹- نجس کردن فرش مسجد نیز حرام است و چنانچه نجس شود باید آن را تطهیر کرد و اگر خسارتی لازم آید کسی که آن را نجس کرده است ضامن است

(بنا بر احتیاط واجب).

مسئله ۸۳۰- بردن عین نجاست مانند خون و بول در مسجد حرام است هر چند بی احترامی به مسجد نباشد بنا بر احتیاط واجب، مگر چیز جزئی که گاه در لباس و بدن شخص وارد شونده یا در لباس بچه های کوچک است، اما بردن متنجس (چیزی که نجس شده مانند لباس و کفش نجس) در صورتی که بی احترامی به مسجد نباشد و سبب آلودگی مسجد نیز نشود حرام نیست.

مسئله ۸۳۱- اگر برای روضه خوانی و مراسم سوگواری یا جشن مذهبی و مانند آن مسجد را چادر بزنند و سیاهی بکوبند و اسباب چای و غذا در آن بپزند، در

صورتی که این کارها به مسجد ضرر نرساند و مانع نماز خواندن نشود اشکال ندارد.

مسئله ۸۳۲- تزیین کردن مسجد به طلا اشکال دارد و همچنین احتیاط آن است که صورت چیزهایی که روح دارد مثل انسان و حیوان در مسجد نقش نکنند.

مسئله ۸۳۳- اگر مسجد خراب شود نمی توانند زمین آن را بفروشند یا داخل ملک و جاذبه کنند، حتی فروختن در و پنجره ها و چیزهای دیگر مسجد حرام است و اگر مسجد خراب شود باید آنها را صرف تعمیر همان مسجد کنند و هرگاه به درد آن مسجد نخورد باید در مساجد دیگر صرف شود و اگر به درد مساجد دیگر نیز نخورد باید آن را بفروشند و پولش را اگر ممکن است صرف تعمیر همان مسجد و گرنه صرف تعمیر مسجد دیگر نمایند.

مسئله ۸۳۴- ساختن مسجد مستحب است و هر قدر در جای مناسبتر و بهتری باشد که مسلمانان از آن بیشتر استفاده کنند بهتر است. تعمیر مسجد نیز مستحب است و از بهترین کارها است و اگر مسجد طوری خراب شود که تعمیر آن ممکن نباشد می توانند آن را بکلی خراب کنند و دوباره بسازند.

مسئله ۸۳۵- مسجدی که خراب نشده و قابل استفاده است اگر نیاز به توسعه دارد می توان آن را خراب کرد و بهتر و بزرگتر ساخت.

مسئله ۸۳۶- تمیز کردن مسجد و روشن کردن چراغ آن و کوشش در تأمین حوائج آن مستحب است و نیز مستحب است کسی که می خواهد به مسجد برود خود را خوشبو کند و لباس پاکیزه بپوشد و ته کفش خود را به هنگام ورود به مسجد واری کند که آلوده نباشد و شایسته است موقع داخل شدن پای راست و موقع بیرون آمدن پای چپ را بگذارد و زودتر به مسجد آید و دیرتر از مسجد بیرون رود.

مسئله ۸۳۷- وقتی انسان وارد مسجد می شود مستحب است دو رکعت نماز به قصد تحیت و احترام مسجد بخواند و اگر نماز واجب یا مستحب دیگری بخواند کافی است.

مسئله ۸۳۸- خوابیدن در مسجد و سخن گفتن درباره کارهای دنیا و خواندن اشعاری که نصیحت و مانند آن در آن نباشد مکروه است و همچنین انداختن آب دهان و بینی و اخلاط سینه در مسجد و بلند کردن صدا و داد و فریاد و آنچه با موقعیت مسجد منافات دارد مکروه می باشد.

مسئله ۸۳۹- راه دادن بچه و دیوانه به مسجد مکروه است ولی در صورتی که آوردن بچه ها تولید مزاحمتی نکند و آنها را به مسجد و نماز علاقه مند سازد مستحب است و گاه واجب.

مسئله ۸۴۰- کسی که سیر و پیاز و مانند اینها خورده و بوی دهانش مردم را آزار می دهد مکروه است به مسجد برود.

اذان و اقامه

مسئله ۸۴۱- مستحب است پیش از نمازهای یومیّه اذان و اقامه بگویند و بهتر است حتی الامکان ترک نشود، مخصوصاً «اقامه»، ولی برای نماز عید «فطر» و «قربان» و نمازهای واجب دیگر، اذان و اقامه نیست، بلکه سه مرتبه به امید مطلوبیت پروردگار بگویند «الصلاة» و نیز مستحب است به عنوان تبرک و امید ثواب

در روز اول که بچه به دنیا می آید، یا پیش از آن که بند نافش بیفتد در گوش راستش اذان و در گوش چپش اقامه بگویند.

مسأله ۸۴۲- اذان دارای ۱۸ جمله است به ترتیب زیر:

اللَّهُ أَكْبَرُ چهار مرتبه (یعنی خداوند بزرگتر از آن است که به وصف آید).

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ دو مرتبه (یعنی گواهی می دهم غیر از خداوند یکتا معبود دیگری نیست).

أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ دو مرتبه (یعنی گواهی می دهم که محمد فرستاده خداست).

حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ دو مرتبه (یعنی بشتاب به سوی نماز).

حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ دو مرتبه (یعنی بشتاب به سوی رستگاری).

حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ دو مرتبه (یعنی بشتاب به سوی بهترین کارها که نماز است).

اللَّهُ أَكْبَرُ دو مرتبه (یعنی خداوند بزرگتر از آن است که به وصف آید).

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ دو مرتبه (یعنی هیچ معبودی جز خداوند یکتا نیست).

و اقامه ۱۷ جمله است به این ترتیب که همه چیزش مانند اذان است جز این که در اول آن فقط دو مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ» می گویند و در آخر آن یک مرتبه «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» ولی بعد از گفتن «حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ»، دو مرتبه «قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ» (یعنی نماز برپا شد) اضافه می شود.

مسأله ۸۴۳- «أَشْهَدُ أَنْ عَلِيًّا وَوَلِيَّ اللَّهِ» (یعنی گواهی می دهم که علی ولی خدا بر همه خلق است) جزء اذان و اقامه نیست، ولی خوب است بعد از «أَشْهَدُ أَنْ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ» به قصد تبرک گفته شود، لکن به صورتی که معلوم شود جزء آن نیست.

مواردی که اذان گفتن ساقط می شود

مسأله ۸۴۴- در پنج مورد اذان ساقط می شود و بنا بر احتیاط واجب باید آن را ترک کرد: ۱- اذان نماز عصر روز جمعه هنگامی که با نماز جمعه همراه خوانده شود.

۲- نماز عصر روز عرفه که روز نهم ذی الحجه است هنگامی که همراه ظهر خوانده شود.

۳- نماز عشاء شب عید قربان برای کسی که در مشعرالحرام است و آن را با مغرب همراه می خواند. ۴- نماز عصر و عشاء زن مستحاضه که باید آن را بلافاصله بعد از نماز ظهر یا مغرب بخواند. ۵- نماز عصر و عشاء کسی که نمی تواند از بیرون آمدن بول و غائط خودداری کند.

بطور کلی هر نمازی که با نماز قبل همراه خوانده شود اذان آن ساقط می شود و فاصله شدن نافله و تعقیب کافی نیست، ولی اگر نمازها را جدا از هم هر یک را در وقت فضیلت خود به جا آورند اذان و اقامه هر دو مستحب است.

مسئله ۸۴۵- در نماز جماعت اگر یک نفر اذان و اقامه بگوید برای همه کافی است و بقیه بنا بر احتیاط واجب باید اذان و اقامه را ترک کنند.

مسئله ۸۴۶- هرگاه برای خواندن نماز جماعت به مسجد رود و ببیند نماز جماعت تمام شده، ولی صفها هنوز به هم نخورده است احتیاط آن است که برای نماز خود اذان و اقامه نگوید، به شرط این که برای جماعت اول اذان و اقامه گفته شده باشد.

مسئله ۸۴۷- در جایی که عده ای مشغول نماز جماعتند یا نماز آنان تازه تمام شده و صفها به هم نخورده است اگر کسی بخواهد فرادی یا با جماعت دیگری که برپا می شود نماز بخواند اذان و اقامه از او ساقط است به شرط این که برای آن نماز اذان و اقامه گفته باشند و نماز جماعت صحیح باشد و هر دو نماز در یک مکان و هر دو ادا و مربوط به یک وقت و در مسجد باشد.

مسئله ۸۴۸- کسی که اذان دیگری را می شنود مستحب است هر جمله را که می شنود بازگو کند، بازگو کردن اقامه نیز به امید ثواب مستحب است (و آن را حکایت اذان و اقامه گویند).

مسئله ۸۴۹- اگر مرد اذان زن را بشنود اذان از او ساقط نمی شود، ولی اگر زن اذان مرد را بشنود اذان از او ساقط می شود.

مسئله ۸۵۰- در جماعتی که مردان و زنان شرکت دارند اذان و اقامه نماز جماعت را باید مرد بگوید، ولی در جماعت زنان اذان و اقامه زنان کافی است.

مسئله ۸۵۱- هرگاه کلمات اذان و اقامه را بدون ترتیب بگوید، مثلاً «أَشْهَدُ أَنْ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ» را قبل از «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» بگوید، باید برگردد و ترتیب را رعایت کند.

مسئله ۸۵۲- میان اذان و اقامه باید زیاد فاصله ندهد و اگر فاصله بقدری باشد که اقامه مربوط به آن اذان حساب نشود دوباره بگوید و همچنین میان اذان و اقامه با نماز نباید زیاد فاصله شود و الا اذان و اقامه را اعاده نماید.

مسئله ۸۵۳- اذان و اقامه باید به عربی صحیح گفته شود، بنابراین اگر غلط بگوید، یا ترجمه آنها را به فارسی یا زبان دیگر بگوید صحیح نیست.

مسئله ۸۵۴- اذان و اقامه را قبل از داخل شدن وقت نماز نمی توان گفت و اگر بگوید باطل است.

مسئله ۸۵۵- هرگاه پیش از گفتن اقامه شک کند که اذان را گفته یا نه، اذان را بگوید، ولی اگر مشغول اقامه شود و شک کند، اعتنا به شک نکند، ولی اگر در جمله های اذان و اقامه شک کند احتیاط آن است که برگردد و به جا آورد.

مسأله ۸۵۶- مستحب است در موقع اذان گفتن رو به قبله بایستد و باوضو باشد و صدا را بلند کند و بکشد و بین جمله های آن کمی فاصله دهد و درمیان آن حرف نزند.

مسأله ۸۵۷- شایسته است که بدن در موقع گفتن اقامه آرام باشد و اقامه را از اذان آهسته تر بگوید و فاصله جمله ها را کمتر کند و میان اذان و اقامه یک گام بردارد، یا کمی بنشیند، یا سجده کند، یا دعا نماید، یا دو رکعت نماز به جا آورد.

مسأله ۸۵۸- بهتر است کسی را که برای اذان معین می کنند، عادل و وقت شناس و صدایش مناسب و بلند باشد و اذان را در جای بلند بگوید و در صورتی که از بلندگوها استفاده شود مانعی ندارد گوینده اذان در محل پایین قرار گیرد.

مسأله ۸۵۹- شنیدن اذان از رادیو و مانند آن برای نماز کافی نیست، بلکه خود نمازگزاران به شرحی که در بالا گفته شد باید اذان بگویند.

مسأله ۸۶۰- اذان گفتن به صورت غنا یعنی آهنگی که مناسب مجالس لهو و لعب است حرام و باطل است.

مسأله ۸۶۱- احتیاط واجب آن است که اذان را همیشه به قصد نماز بگویند و گفتن اذان برای اعلام دخول وقت بدون قصد نماز بعد از آن مشکل است.

واجبات نماز

مسأله ۸۶۲- واجبات نماز یازده چیز است: ۱- نیت، ۲- تکبیره الاحرام، یعنی «اللَّهُ أَكْبَرُ» در اول نماز، ۳- قیام، ۴- قرائت، ۵- رکوع، ۶- سجود، ۷- ذکر رکوع و سجود، ۸- تشهد، ۹- سلام، ۱۰- ترتیب، ۱۱- موالات (پی در پی به جا آوردن اجزاء نماز).

مسأله ۸۶۳- واجبات نماز بر دو گونه است: بعضی رکن است و بعضی غیر رکن، رکن چیزی است که اگر آن را به جا نیاورد یا اضافه کند نماز باطل است، خواه عمداً باشد یا از روی سهو و اشتباه، ولی در واجبات غیر رکنی هنگامی نماز باطل می شود که آن را عمداً کم و زیاد کند و اگر از روی سهو و اشتباه کم و زیاد کند نماز صحیح است.

مسأله ۸۶۴- ارکان نماز پنج چیز است: اول نیت. دوم تکبیره الاحرام. سوم قیام در موقع گفتن تکبیره الاحرام و قیام متصل به رکوع، یعنی ایستادن پیش از رکوع. چهارم رکوع. پنجم دو سجده (البته در نیت زیادی تصور نمی شود و زیادی تکبیره الاحرام نیز اگر از روی سهو باشد نماز را باطل نمی کند، هر چند احتیاط مستحب آن است که آن را اعاده کند).

۱- نیت

مسأله ۸۶۵- نماز را باید به قصد قربت یعنی برای اطاعت فرمان خدا انجام داد و لازم نیست نیت را به زبان آورد و یا در اول نماز از قلب بگذراند، همین اندازه که

اگر سؤال کنند چه می‌کنی، بتواند جواب دهد که برای خدا نماز می‌خوانم کافی است.

مسئله ۸۶۶- در موقع نیت باید قصد کند که نماز ظهر می‌خواند یا عصر یا نمازهای دیگر و اگر فقط نیت کند چهار رکعت نماز می‌خوانم کافی نیست، بلکه نمازی را که می‌خواند باید در نیت خود معین کند و احتیاط واجب آن است که قضا و ادا بودن آن را نیز معین نماید.

مسئله ۸۶۷- نیت باید تا آخر نماز ادامه داشته باشد و اگر طوری غافل شود که نداند چه می‌کند نمازش باطل است.

مسئله ۸۶۸- هر کس برای ریا یعنی نشان دادن به مردم نماز یا عبادت دیگری را انجام دهد علاوه بر این که عبادتش باطل است گناه کبیره نیز انجام داده است و اگر خدا و مردم را هر دو در نظر بگیرد باز عملش باطل و گناه کبیره است.

مسئله ۸۶۹- اگر قسمتی از نماز را به قصد ریا انجام دهد نماز باطل است، خواه قسمت واجب باشد مثل حمد و سوره، یا مستحب مانند قنوت، بنا بر احتیاط واجب.

مسئله ۸۷۰- هرگاه اصل نماز را برای خدا می‌خواند، ولی به قصد ریا آن را در مسجد یا در اول وقت یا با جماعت انجام می‌دهد نمازش باطل است، ولی اگر برای ریا نیست بلکه نماز خواندن در اول وقت یا در مسجد برای او راحت تر است اشکالی ندارد.

۲- تکبیره الاحرام

مسئله ۸۷۱- اولین جزء نماز «اللَّهُ أَكْبَرُ» است که آن را «تکبیره الاحرام» می‌گویند و ترک آن خواه از روی عمد باشد یا سهواً نماز را باطل می‌کند، اما اضافه کردن آن (یعنی به جای یک اللَّهُ أَكْبَرُ مثلاً دو مرتبه اللَّهُ أَكْبَرُ بگوید) اگر عمدی باشد موجب باطل شدن نماز است.

مسئله ۸۷۲- «اللَّهُ أَكْبَرُ» مانند سایر ذکرهای نماز و حمد و سوره باید به عربی صحیح گفته شود و عربی غلط یا ترجمه آن کافی نیست.

مسئله ۸۷۳- باید موقع گفتن تکبیره الاحرام بدن آرام باشد و اگر در حالی که مثلاً قدم بر می‌دارد اللَّهُ أَكْبَرُ بگوید باطل است و چنانچه سهواً بگوید احتیاط واجب آن است کاری کند که نماز باطل شود (مثلاً صورت را به طرف پشت قبله کند) و دوباره تکبیر بگوید.

مسئله ۸۷۴- تکبیر و حمد و سوره و سایر ذکرهای نماز را باید طوری بخواند که اگر مانعی در کار نباشد حداقل خودش آن را بشنود.

مسئله ۸۷۵- کسانی که به خاطر بیماری یا لال بودن نمی‌توانند تکبیر را درست بگویند باید هر طوری می‌توانند بگویند و اگر هیچ نمی‌توانند بگویند احتیاط واجب آن است که اشاره کنند و با زبانی که در میان افراد کر و لال متعارف است آن را ادا نمایند و در قلب خود نیز بگذرانند.

مسئله ۸۷۶- مستحب است بعد از تکبیره الاحرام به قصد رجاء این دعا را بخوانند: «يَا مُحْسِنُ قَدْ آتَاكَ الْمُسِيُّ وَ قَدْ أَمَرَتِ الْمُحْسِنُ أَنْ يَتَجَاوَزَ عَنِ الْمُسِيِّ أَنْتَ الْمُحْسِنُ وَ أَنَا الْمُسِيُّ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ تَجَاوَزَ عَنِ قَبِيحِ مَا تَعَلَّمَ مِنِّي. یعنی: «ای خدای نیکوکار! بنده گنهکارت به در خانه

تو آمده است تو امر کرده ای که نکوکار از گنهکار بگذرد، تو نیکو کاری و من گنهکارم، به حقّ محمد و آل محمد رحمتت را بر محمد و آل محمد بفرست و از کارهای زشتی که می دانی از من سرزده بگذر!»

مسئله ۸۷۷- مستحبّ است در موقع گفتن تکبیره الاحرام و سایر تکبیرهای نماز دستها را تا مقابل گوش بالا ببرد.

مسئله ۸۷۸- هرگاه شک کند که تکبیره الاحرام را گفته یا نه، چنانچه مشغول خواندن حمد شده است به شک خود اعتنا نکند و اگر چیزی نخوانده باید تکبیر را بگوید و هرگاه می داند تکبیره الاحرام را گفته اما شک دارد که صحیح گفته است یا نه، اگر این شک بعد از گفتن تکبیر پیدا شود اعتنا نکند.

۳- قیام

مسئله ۸۷۹- قیام یعنی ایستادن، در دو جای نماز، واجب و رکن است: هنگام گفتن تکبیره الاحرام و قیام قبل از رکوع که آن را «قیام متصل به رکوع» گویند، ولی قیام در موقع خواندن حمد و سوره و همچنین بعد از رکوع واجب است اما رکن نیست.

مسئله ۸۸۰- هرگاه رکوع را فراموش کند و بعد از حمد و سوره بنشیند و یادش بیاید که رکوع نکرده باید بایستد و به رکوع رود و اگر به حالت خمیدگی به رکوع برگردد نماز او باطل است زیرا قیام متصل به رکوع را به جا نیاورده است.

مسئله ۸۸۱- در موقع قیام نباید بدن و پاها را حرکت دهد و به طرفی خم شود یا به جایی تکیه کند، ولی اگر از روی ناچاری باشد مانعی ندارد.

مسئله ۸۸۲- هرگاه در حال قیام برای حمد و سوره از روی فراموشی بدن و پاها را حرکت دهد یا به طرفی خم شود نماز باطل نیست، اما اگر در موقع تکبیره الاحرام و قیام متصل به رکوع باشد، بنابر احتیاط واجب باید نماز را تمام کند و اعاده نماید.

مسئله ۸۸۳- هرگاه در موقع قیام روی یک پا بایستد نمازش اشکال دارد، ولی لازم نیست سنگینی بدن را بطور مساوی روی هر دو پا قرار دهد.

مسئله ۸۸۴- اگر پاها را بیش از اندازه گشادبگذارد بطوری که از شکل ایستادن بیرون رود نمازش باطل است، مگر این که ناچار باشد.

مسئله ۸۸۵- هرگاه در نماز می خواهد کمی جلو یا عقب رود یا بدن را کمی به طرف راست و چپ حرکت دهد باید چیزی نگوید ولی «بِحَوْلِ اللَّهِ وَ قُوَّتِهِ أَقُومُ وَ أَقْعُدُ» را باید در حال برخاستن بگوید.

مسئله ۸۸۶- در موقع ذکرهای واجب نماز نیز باید بدن آرام باشد، بلکه احتیاط واجب آن است که در ذکرهای مستحب نیز این معنی رعایت شود.

مسئله ۸۸۷- هرگاه در حال حرکت بدن ذکر بگوید مثلاً موقع رفتن رکوع یا در حال رفتن به سجده تکبیر آن را بگوید، احتیاط آن است که نماز را دوباره بخواند، مگر آن که قصدش مطلق ذکر باشد، یعنی نه آن تکبیر مخصوصی که مثلاً قبل از سجده در حال ایستادن گفته می شود، بلکه از آنجا که ذکر خدا در هر جای

نماز خوب است تکبیر می گوید.

مسئله ۸۸۸- هرگاه در موقع قرائت حمد و سوره یا تسبیحات بی اختیار بقدری حرکت کند که از حال آرام بودن بدن خارج شود و یا مثلاً در میان جمعیت باشد و به او تنه بزنند و او را حرکت دهند احتیاط واجب آن است که بعد از آرام گرفتن بدن آنچه را در حال حرکت خوانده دوباره بخواند.

مسئله ۸۸۹- هرگاه در بین نماز از ایستادن عاجز شود باید بنشیند و اگر از نشستن هم عاجز شود باید بخوابد، ولی تا بدنش آرام نگرفته باید چیزی نخواند.

مسئله ۸۹۰- کسی که نمی تواند ایستاده نماز بخواند باید بنشیند، ولی اگر بتواند بایستد و به عصا یا دیوار و مانند آن تکیه کند، یا پاهایش را از هم دور بگذارد باید ایستاده نماز بخواند، مگر این که فوق العاده برای او زحمت داشته باشد، همچنین مادام که می تواند نشسته نماز بخواند هر چند به چیزی تکیه کند باید خوابیده نماز نخواند و هرگاه نتواند باید به پهلو راست بخوابد، بطوری که جلو بدن او رو به قبله باشد و اگر نتواند به پهلو چپ و اگر آن هم ممکن نیست به پشت بخوابد بطوری که کف پاهای او رو به قبله باشد.

مسئله ۸۹۱- کسی که می تواند قسمتی از نماز را ایستاده بخواند واجب است آن مقدار را بایستد و بقیه را بنشیند و اگر نتوانست بخوابد.

مسئله ۸۹۲- هرگاه کسی بر اثر ناتوانی نماز را خوابیده بخواند، اگر در بین نماز بتواند بنشیند باید آن مقدار را که می تواند، بنشیند و یا اگر می تواند برخیزد و همچنین کسانی که نشسته نماز می خوانند و در اثناء نماز توانایی ایستادن پیدا می کنند باید بایستند، ولی تا بدن آرام نگرفته است چیزی نخوانند.

مسئله ۸۹۳- کسی که احتمال می دهد تا آخر وقت بتواند ایستاده نماز بخواند بنا بر احتیاط واجب در اول وقت نماز نخواند.

مسئله ۸۹۴- هرگاه توانایی بر ایستادن دارد اما می داند یا احتمال عقلائی می دهد که برای او ضرر داشته باشد، یا بیماری اش طولانی می شود، یا مثلاً زخم یا شکستگی استخوان او دیر التیام پیدا می کند، باید نشسته نماز بخواند و اگر آن هم ضرر دارد خوابیده نماز بخواند.

مسئله ۸۹۵- شایسته است در حال ایستادن بدن را راست نگه دارد، شانه ها را پایین بیندازد، دستها را روی رانها بگذارد، انگشتها را به هم بچسباند، سنگینی بدن را بطور مساوی روی دو پا بیندازد و به محل سجده نگاه کند و با خضوع و خشوع باشد، مردان کمی پاها را باز بگذارند و زنان به هم بچسباند.

۴- قرائت

مسئله ۸۹۶- در رکعت اول و دوم نمازهای واجب روزانه باید بعد از تکبیره الاحرام سوره حمد را قرائت کند و بعد از آن بنا بر احتیاط واجب یک سوره تمام از قرآن مجید را و خواندن یک یا چند آیه کافی نیست. و باید توجه داشت که سوره «فیل» و «ایلاف» یک سوره حساب می شود و همچنین سوره «والضحی» و «الم نشرح».

مسأله ۸۹۷- در تنگی وقت یا در جایی که ترس از دزد یا درنده ای باشد می توان سوره را ترک کرد و همچنین در جایی که عجله برای کار مهمی داشته باشد.

مسأله ۸۹۸- واجب است قرائت حمد قبل از سوره باشد و اگر عمداً برخلاف این انجام دهد نمازش باطل است اگر از روی اشتباه باشد چنانچه قبل از رکوع یادش بیاید باید برگردد و درست بخواند، اما اگر بعد از رسیدن به حد رکوع یادش بیاید نمازش صحیح است، همچنین اگر حمد یا سوره یا هر دو را فراموش کند.

مسأله ۸۹۹- هرگاه در نماز واجب یکی از چهار سوره ای را که آیه سجده دارد (۱) عمداً بخواند بنا بر احتیاط واجب باید سجده را به جا آورد سپس برخیزد و حمد و سوره دیگری بخواند و نماز را تمام کند و بعد اعاده نماید و چنانچه سهواً مشغول خواندن سوره سجده شود اگر قبل از رسیدن به آیه سجده متوجه گردد باید آن سوره را رها کرده و سوره دیگری بخواند و اگر از نصف گذشته باشد احتیاطاً نماز را

۱. سوره الم سجده - سوره حم سجده (فصلت) - سوره والنجم و سوره اقرأ (علق)، اعاده کند اگر بعد از خواندن آیه سجده بفهمد باید به ترتیب بالا عمل کند.

مسأله ۹۰۰- خواندن سوره های سجده در نمازهای مستحب مانعی ندارد و باید به دنبال آیه سجده، سجده کند، سپس برخیزد و نماز را ادامه دهد.

مسأله ۹۰۱- در نمازهای مستحبی می توان سوره را ترک کرد حتی آن نماز مستحبی که به واسطه نذر کردن واجب شده باشد، ولی نمازهای مستحبی مخصوصی که سوره های خاصی دارد باید به دستور آن عمل کرد.

مسأله ۹۰۲- مستحب است در رکعت اول نماز ظهر روز جمعه بعد از حمد، سوره جمعه بخواند در رکعت دوم، سوره منافقین را و هرگاه مشغول یکی از اینها شود احتیاط واجب آن است که به سوره دیگری عدول نکند.

مسأله ۹۰۳- عدول کردن از سوره «قُلْ هُوَ اللَّهُ»، یا سوره «قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ» به سوره دیگری در هر نماز باشد جایز نیست، جز در نماز جمعه که اگر به جای سوره جمعه و منافقین یکی از این دو سوره را بخواند پیش از آن که به نصف برسد می تواند آن را رها کرده، سوره جمعه و منافقین را بخواند.

مسأله ۹۰۴- هرگاه غیر سوره «قُلْ هُوَ اللَّهُ» و «قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ» را در نماز بخواند می تواند آن را رها کرده و سوره دیگری را بخواند، به شرط این که به نصف نرسیده باشد.

مسأله ۹۰۵- هرگاه مقداری از سوره را فراموش کند، یا از جهت تنگی وقت نتواند به آن ادامه دهد، می تواند آن را رها کرده و سوره دیگری را بخواند، خواه از نصف گذشته باشد و خواه سوره «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» و یا «قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ» باشد یا نه.

مسأله ۹۰۶- واجب است مردان حمد و سوره نماز صبح و مغرب و عشا را بلند و حمد و سوره نماز ظهر و عصر را آهسته بخوانند و زنان نیز باید حمد و سوره نماز ظهر و عصر را آهسته بخوانند، اما حمد و سوره نماز صبح و مغرب و عشا را می توانند بلند یا آهسته بخوانند، ولی اگر نامحرم صدای آنها را بشنود احتیاط مستحب آن است که آهسته بخوانند.

مسأله ۹۰۷- در جایی که باید حمد و سوره را بلند بخواند اگر عمداً یک کلمه را آهسته بخواند نماز باطل است، همچنین در جایی که باید آهسته بخواند اگر یک کلمه را بلند بخواند نماز باطل می شود.

مسأله ۹۰۸- هرگاه در جایی که باید قرائت را بلند بخواند عمداً آهسته بخواند یا در جایی که باید آهسته بخواند عمداً بلند بخواند نمازش باطل است، ولی اگر از روی فراموشی، یا ندانستن مسأله باشد، صحیح است، مگر این که در یاد گرفتن مسأله کوتاهی کرده باشد که بنابر احتیاط واجب اعاده می کند.

مسأله ۹۰۹- هرگاه در اثناء حمد و سوره متوجه شود مقداری را بر خلاف دستور بالا سهواً بلند یا آهسته خوانده لازم نیست برگردد، هرچند بهتر است که برگردد و صحیح بخواند.

مسأله ۹۱۰- هرگاه کسی در قرائت و ذکر نماز صدای خود را بیش از حد معمول بلند کند و با فریاد بخواند نمازش باطل است.

مسأله ۹۱۱- باید قرائت و ذکر نماز را صحیح بخواند و اگر نمی داند یاد بگیرد، اما کسانی که نمی توانند تلفظ صحیح را یاد بگیرند باید همانطور که می توانند بخوانند و برای چنین اشخاصی بهتر است که تا می توانند نماز خود را با جماعت به جا آورند.

مسأله ۹۱۲- کسی که در یاد گرفتن قرائت و ذکر نماز کوتاهی کرده نمازش باطل است و اگر وقت تنگ شده احتیاط واجب آن است که با جماعت نماز بخواند و اگر دسترسی به جماعت ندارد نمازش در تنگی وقت صحیح است.

مسأله ۹۱۳- کسی نمی تواند برای یاد دادن واجبات نماز، مزد بگیرد (بنابراحتیاط واجب) اما برای مستحبات مانعی ندارد، مگر این که از شعائر دین باشد یا حفظ احکام الهی منوط به تعلیم آن گردد.

مسأله ۹۱۴- هرگاه یکی از کلمات حمد و سوره یا ذکرهای دیگر نماز را نداند، یا زیر و زبر آن را غلط بخواند، یا حرفی را به حرف دیگری تبدیل کند، مثلاً به جای (ض) (ز) بگوید بطوری که از نظر لغت عرب غلط باشد، نماز او باطل است.

مسأله ۹۱۵- هرگاه کلمه یا تلفظ آیه یا ذکر را صحیح می دانسته و مدتی در نمازها خوانده و بعد می فهمد غلط بوده، نمازش اعاده ندارد، هرچند احتیاط مستحب اعاده یا قضای آن است.

مسأله ۹۱۶- لازم نیست آنچه را علمای تجوید برای بهتر خوانی قرآن ذکر کرده اند رعایت کند، بلکه لازم است طوری بخواند که بگوید عربی صحیح است هرچند رعایت دستورات تجوید بهتر است.

مسأله ۹۱۷- احتیاط واجب آن است که در نماز، وقف به حرکت ننماید و معنی وقف به حرکت آن است که زیر و زبر آخر کلمه را بگوید اما بین آن کلمه و کلمه بعد فاصله دهد، مثل این که بگوید: اللَّهُ أَكْبَرُ (و آخر آن را پیش دهد) اما مدتی سکوت کند بعد بِسْمِ اللَّهِ را شروع نماید، ولی وصل به سکون مانعی ندارد، هرچند

ترک آن بهتر است، معنی وصل به سکون این است که آخر جمله را بدون زیر و زبر بخواند و بلافاصله آیه یا کلمه بعد را بگوید.

مسئله ۹۱۸- در رکعت سوم و چهارم نمازهای سه رکعتی و چهار رکعتی مخیر است که حمد بخواند (بدون سوره) یا سه مرتبه تسبیحات اربعه یعنی «سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ» بگوید، بلکه یک مرتبه نیز کافی است و مانعی ندارد در یک رکعت حمد و در رکعت دیگر تسبیحات بگوید.

مسئله ۹۱۹- واجب است در رکعت سوم و چهارم نماز، حمد یا تسبیحات اربعه را آهسته بخواند، حتی بِسْمِ اللَّهِ را (بنابر احتیاط واجب).

مسئله ۹۲۰- اگر در رکعت اول و دوم نماز به گمان این که رکعت سوم و چهارم است تسبیحات بگوید، چنانچه پیش از رکوع متوجه شود باید برگردد و حمد و سوره بخواند و اگر در رکوع یا بعد از آن بفهمد نمازش صحیح است و احتیاط مستحب آن است که دو سجده سهو به جا آورد.

مسئله ۹۲۱- اگر در رکعت سوم یا چهارم می خواست حمد بخواند تسبیحات به زبانش آمد، یا بعکس می خواست تسبیحات بخواند حمد به زبانش آمد، کافی نیست، باید برگردد و دوباره حمد یا تسبیحات را بخواند، ولی اگر هر دو در نیت او بوده است هر کدام به زبانش آید کافی است.

مسئله ۹۲۲- مستحب است بعد از تسبیحات استغفار کند مثلاً بگوید: «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ» یا بگوید: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي».

مسئله ۹۲۳- اگر در رکوع یا بعد از آن شک کند که تسبیحات را خوانده یا نه، اعتنا به شک نکند، اما اگر هنوز به اندازه رکوع خم نشده احتیاط واجب آن است که برگردد و بخواند.

مسئله ۹۲۴- هرگاه در آیه و یا ذکر از نماز شک کند باید آن را تکرار کند تا صحیح بگوید، اما اگر به حدّ وسواس برسد باید اعتنا نکند و اگر اعتنا کند نمازش اشکال دارد و بنابر احتیاط واجب باید دوباره بخواند.

مسئله ۹۲۵- مستحب است در رکعت اول نماز پیش از خواندن حمد بگوید: «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» و نیز مستحب است امام جماعت «بِسْمِ اللَّهِ»

را در رکعت اول و دوم نماز ظهر و عصر در جماعت بلند بگوید، همچنین مستحب است حمد و سوره و اذکار نماز را شمرده بخواند و آیات را به هم نچسباند و مخصوصاً به معنی آنها توجه داشته باشد و اگر نماز را با جماعت می خواند بعد از تمام شدن حمد امام، به امید ثواب پروردگار بگوید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» و بعد از خواندن سوره «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» یک یا دو یا سه مرتبه بگوید: «كَذَلِكَ اللَّهُ رَبِّي» یا «كَذَلِكَ اللَّهُ رَبُّنَا».

مسئله ۹۲۶- شایسته است در نمازها در رکعت اول سوره «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» و در رکعت دوم سوره «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» را بخواند و هیچ سوره ای را در هر دور رکعت تکرار نکند، مگر سوره «قُلْ هُوَ اللَّهُ» و سزاوار نیست در تمام نمازهای شبانه روز سوره «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» را ترک کند و بهتر است سوره های برای نماز انتخاب شود که مردم را متوجه اموری که به آن نیاز دارند و ترک گناهی که به آن آلوده اند کند.

۵- رکوع

مسئله ۹۲۷- در هر رکعت بعد از قرائت، یک رکوع واجب است، یعنی به اندازه ای خم شود که اگر بخواهد کف دستها را به زانو بگذارد بتواند، بلکه احتیاط واجب آن است که کف دستها را بر زانو بگذارد.

مسئله ۹۲۸- کسی که دست یا زانوی او با دیگران تفاوت دارد، مثلاً دستش خیلی بلند است که اگر کمی خم شود به زانو می رسد، یا زانویش خیلی پایین است چنین کسی باید به اندازه معمول خم شود.

مسئله ۹۲۹- کسی که نماز نشسته می خواند برای رکوع باید بقدری خم شود که بگوید رکوع کرده است.

مسئله ۹۳۰- خم شدن باید به قصد رکوع باشد، بنابراین اگر بدون این قصد خم شود نمی تواند آن را رکوع حساب کند، بلکه باید بایستد و به قصد رکوع خم شود.

مسئله ۹۳۱- در رکوع واجب است ذکر بگوید، ذکر رکوع بنا بر احتیاط واجب سه مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ» یا یک مرتبه «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ» است که باید به عربی صحیح گفته شود و مستحب است آن را سه یا پنج یا هفت مرتبه تکرار کند.

مسئله ۹۳۲- در موقع ذکر واجب باید بدن آرام باشد و برای ذکر مستحب نیز اگر آن را به قصد ذکر رکوع می گوید آرام بودن بدن لازم است.

مسئله ۹۳۳- هرگاه در موقعی که مشغول ذکر واجب است کسی به او تنه بزند، یا به علت دیگری بدن از آرامش بیرون رود، باید بعد از آرام گرفتن دوباره ذکر را بگوید، ولی حرکات مختصر اشکال ندارد.

مسئله ۹۳۴- هرگاه ذکر را قبل از رسیدن به حد رکوع و آرام گرفتن بدن بگوید باید آن را بعد از آرام گرفتن اعاده کند، حتی اگر عمداً این کار را کند احتیاط این است که نماز را نیز بعداً اعاده نماید.

مسئله ۹۳۵- هرگاه پیش از تمام شدن ذکر واجب عمداً سر از رکوع بردارد نمازش باطل است و اگر سهواً باشد چنانچه پیش از خارج شدن از حال رکوع متوجه شود باید در حال آرامی بدن دوباره ذکر را بگوید و اگر بعد از آن که از حال رکوع خارج شد متوجه گردد، نمازش صحیح است.

مسئله ۹۳۶- کسی که نمی تواند به اندازه رکوع خم شود اگر بتواند باید به چیزی تکیه کند و رکوع نماید و اگر آن هم ممکن نشود باید به هر اندازه که ممکن است خم شود و اگر هیچ نتواند خم شود باید رکوع را به صورت نشسته انجام دهد، و اگر آن هم ممکن نشود در حال ایستاده با سر اشاره می کند و اگر این را هم نتواند به نیت رکوع چشمها را بر هم می گذارد و ذکر را می گوید و به نیت برخاستن از رکوع چشمها را بازمی کند.

مسئله ۹۳۷- هرگاه کسی می تواند رکوع کند اما به خاطر بیماری یا علت دیگری نمی تواند به اندازه ذکر واجب توقف کند باید پیش از آن که از حال رکوع خارج

شود ذکر واجب را بگوید هرچند بدن آرام نباشد و اگر نتواند، در حال برخاستن ذکر را تمام کند.

مسئله ۹۳۸- هرگاه کسی بر اثر پیری خمیده شده، یا به خاطر بیماری یا به علت دیگر به حالتی شبیه رکوع درآمده، باید در موقع نماز آن قدر که می تواند کمر را برای قرائت راست کند و اگر نمی تواند قدری کمر را قبل از رکوع راست کند سپس به حال رکوع در آید و اگر آن هم ممکن نشود برای انجام رکوع کمی بیشتر خم شود، به شرط این که از حالت رکوع خارج نگردد و اگر آن هم ممکن نشود احتیاط این است که هم با سر اشاره کند و هم قصد کند که آن حالتش جزء رکوع باشد.

مسئله ۹۳۹- رکوع از واجبات رکنی است که اگر ترک شود یا در یک رکعت دو رکوع یا بیشتر به جا آورد نماز باطل است خواه عمداً باشد یا از روی سهو و فراموشی.

مسئله ۹۴۰- بعد از تمام شدن رکوع، واجب است راست بایستد و بعد از آرام گرفتن بدن به سجده رود و اگر عمداً این کار را ترک کند نمازش باطل است، اما اگر از روی سهو باشد اشکالی ندارد.

مسئله ۹۴۱- هرگاه رکوع را فراموش کند و پیش از سجده اول یا میان دو سجده، یا قبل از آن که پیشانی برای سجده دوم به زمین رسد متوجه شود، باید برگردد و بایستد و بعد به رکوع رود.

مسئله ۹۴۲- مستحب است پیش از رفتن به رکوع در حالی که راست ایستاده «اللَّهُ أَكْبَرُ» بگوید و در حال رکوع زانوها را عقب دهد و پشت را صاف نگه دارد، گردن را بکشد و مساوی پشت نگه دارد و میان دو قدم نگاه کند و بعد از آن که از رکوع برخاست و راست ایستاد در حالی که بدن آرام است بگوید: «سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ».

مسئله ۹۴۳- در احکام رکوع فرقی بین نماز واجب و مستحب نیست، حتی زیادی رکوع بنا بر احتیاط واجب.

ع- سجود

مسئله ۹۴۴- در هر رکعت از نمازهای واجب و مستحب دو سجده واجب است و محل آن بعد از رکوع است و هرگاه هر دو را عمداً یا از روی فراموشی ترک کند یا به جای دو سجده چهار سجده به جا آورد نماز باطل است، اما زیادی یا کمی یک سجده به شرط این که از روی سهو باشد نماز را باطل نمی کند.

مسئله ۹۴۵- در سجده باید هفت موضع بر زمین قرار گیرد: پیشانی، کف دستها، سر دو زانو، سردوانگشت بزرگ پا و هرگاه یکی از این اعضا را عمداً بر زمین نگذارد سجده اش باطل است و اگر سهواً پیشانی را به زمین نگذارد باز سجده باطل است، اما اگر پیشانی به زمین باشد و بعضی دیگر از اعضا را سهواً به زمین نگذارد سجده صحیح است.

۷- ذکر رکوع و سجود

مسئله ۹۴۶- در رکوع واجب است ذکر بگوید، ذکر رکوع بنا بر احتیاط واجب سه مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ» یا یک مرتبه «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ» است. ذکر سجده نیز واجب است و احتیاط آن است که حداقل سه مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ» یا یک مرتبه «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَ بِحَمْدِهِ» بگوید و هر چه بیشتر بگوید بهتر است.

احکام سجود

مسئله ۹۴۷- در سجده باید بدن به مقدار گفتن ذکر واجب آرام باشد، در موقع ذکر مستحب نیز اگر آن را به قصد ذکری که برای سجده دستور داده شده بگوید آرام بودن بدن لازم است و اما اگر به قصد ذکر مطلق باشد که در هر جای نماز جایز است حرکت مانعی ندارد.

مسئله ۹۴۸- هرگاه پیش از آن که بدن آرام گیرد ذکر سجده را شروع کند، نماز باطل است، همچنین اگر قسمتی از آن را هنگام بلند شدن از سجده بگوید، اما اگر سهواً باشد مانعی ندارد و اگر قبل از برداشتن سر از سجده متوجه شود باید ذکر را اعاده کند.

مسئله ۹۴۹- هنگامی که مشغول ذکر نیست می تواند بعضی از اعضای هفتگانه را جز پیشانی از زمین بردارد، یا جا به جا کند، ولی در موقع ذکر جایز نیست.

مسئله ۹۵۰- بعد از سجده اول باید بنشیند تا بدن آرام گیرد، سپس به سجده رود.

مسئله ۹۵۱- بنا بر احتیاط واجب جای پیشانی نمازگزار باید از جای زانوهایش بیش از چهار انگشت بسته، بالاتر و پایین تر نباشد، همچنین جای پیشانی نسبت به جای انگشتان پای او، خواه زمین سراسیمه باشد یا نباشد.

مسئله ۹۵۲- هرگاه پیشانی را سهواً بر جایی بگذارد که از محل زانوها یا انگشتان پا بیش از چهار انگشت بسته، پست تر و بلند تر باشد، اگر بلندی به حدی است که به آن سجده نمی گویند باید سر را بردارد و روی چیزی بگذارد که بلندی آن از چهار انگشت بسته کمتر است، اما اگر بقدری است که سجده به آن می گویند واجب است پیشانی را از روی آن به روی چیزی بکشد که به اندازه چهار انگشت بسته یا کمتر است و اگر کشیدن پیشانی ممکن نیست، احتیاط آن است که نماز را تمام کند و دوباره بخواند.

مسئله ۹۵۳- پیشانی باید روی چیزی قرار گیرد که سجده بر آن صحیح است و شرح آن به خواست خدا در مسائل آینده ذکر می شود و اگر حایلی در این وسط باشد مانند موی سر یا چرک بودن مهر به حدی که پیشانی به خود مهر نرسد سجده باطل است، ولی تغییر رنگ مهر اشکالی ندارد.

مسئله ۹۵۴- هرگاه نتواند کف دستها را بر زمین بگذارد باید پشت دستها را به زمین بگذارد و اگر آن هم ممکن نیست می تواند دستها را بر زمین بگذارد و چنانچه آن هم ممکن نباشد بنا بر احتیاط واجب هر جای دست تا آرنج ممکن شود روی زمین می گذارد و در صورتی که نتواند، بازو را بگذارد.

مسئله ۹۵۵- بنا بر احتیاط واجب باید هنگام سجده سر دو انگشت پاها بر زمین باشد و انگشتهای دیگر کافی نیست، حتی اگر ناخن انگشت بزرگ پا طوری بلند

باشد که سر انگشت به زمین نرسد اشکال دارد.

مسئله ۹۵۶- کسی که مقداری از شست پایش بریده شده باید بقیه را بر زمین بگذارد و اگر چیزی نمانده بقیه انگشتان را بگذارد و اگر انگشت ندارد، مقداری از پا که باقیمانده بر زمین می گذارد.

مسئله ۹۵۷- هرگاه بطور غیر معمول سجده کند مثلاً بخوابد و هفت عضو بدن را بر زمین بچسباند سجده اش باطل است.

مسئله ۹۵۸- هرگاه در پیشانی دمل و مانند آن باشد و نتواند آن را بر مهر و مانند آن بگذارد می تواند مهر را در کنار پیشانی یا در هر دو طرف قرار دهد و مهر را در هر دو طرف آن قدر از زمین بلند کند که دمل در وسط آن قرار گیرد به شرط این که از چهار انگشت بسته بلندتر نباشد و هرگاه دمل یا زخم تمام پیشانی را گرفته باشد باید به یکی از دو طرف بیرون پیشانی سجده کند و اگر ممکن نیست چانه را بر مهر می گذارد و اگر آن هم ممکن نیست هر جای از صورت که ممکن شود بر مهر بگذارد و اگر به هیچ جای از صورت ممکن نشود باید به اندازه ای که می تواند خم شود.

مسئله ۹۵۹- کسی که نمی تواند پیشانی را بر زمین بگذارد باید به اندازه ای که می تواند خم شود و مهر یا چیز دیگری که سجده بر آن صحیح است بر محل بلندتری قرار دهد که پیشانی به آن برسد و کف دستها و زانوها و انگشتان را بطور معمول بر زمین بگذارد هرگاه نتواند خم شود باید با سر اشاره کند و الا با چشمها اشاره می نماید، یعنی آن را به قصد سجده می بندد و به نیت سر برداشتن باز می کند و در هر صورت احتیاط واجب آن است که مهر را بلند کند و بر پیشانی بگذارد، اگر هیچ یک از اینها را نتواند احتیاط این است که در قلبش نیت سجده کند.

مسئله ۹۶۰- هرگاه پیشانی بی اختیار از جای سجده بلند شود و برگردد، یک سجده حساب می شود، چه ذکر سجده را گفته باشد یا نه، ولی اگر اختیاراً آن را بردارد اگر قبل از ذکر و از روی عمد باشد نمازش باطل است و الا اشکال ندارد.

مسئله ۹۶۱- در مورد تقیه می تواند بر فرش و مانند آن سجده نماید و لازم نیست برای نماز به جای دیگری رود تا روی مهر سجده کند، ولی اگر در همان جا بتواند روی سنگ یا بوریا و مانند آن سجده کند واجب است.

مسئله ۹۶۲- سجده کردن روی چیزی که بدن روی آن آرام نمی گیرد اشکال دارد، ولی چنان که قبلاً نیز گفتیم اگر در کشتی و قطار و مانند آن بتواند واجبات نماز را در حال حرکت رعایت کند نمازش صحیح است، اگر انسان روی تشک یا چیز دیگری سجده کند که بدن در اول آرام نیست و بعد آرام می گیرد مانعی ندارد.

مسئله ۹۶۳- هرگاه زمین گل باشد که اگر بخواهد سجده کند بدن و لباس او آلوده می شود می تواند ایستاده نماز بخواند و برای سجده با سر اشاره کند.

مسئله ۹۶۴- بعد از سجده دوم در جایی که تشهّد واجب نیست بهتر است لحظه ای بنشیند سپس برای رکعت بعد برخیزد.

پوشانیدن بدن در نماز

مسئله ۷۲۶- مرد باید در حال نماز عورتین خود را بپوشاند، هرچند کسی او را نمی بیند و بهتر است از ناف تا زانو را بپوشاند و از آن بهتر این که لباس کامل که در برابر افراد محترم در تن می کند به تن داشته باشد.

مسئله ۷۲۷- زن باید در موقع نماز تمام بدن حتی سر و موی خود را بپوشاند، ولی پوشاندن گردی صورت و دستها تا مچ و پاها تا مچ لازم نیست، اما برای این که یقین کند که مقدار واجب را پوشانده است احتیاط این است که مقداری از اطراف صورت و قدری پایین تر از مچ را هم بپوشاند.

مسئله ۷۲۸- در نماز احتیاط و قضای سجده یا تشهد فراموش شده، بلکه بنا بر احتیاط واجب در موقع سجده سهو و سجده های واجب قرآن نیز خود را مانند موقع نماز بپوشاند.

مسئله ۷۲۹- برای زنان پوشانیدن موهای مصنوعی و زینتهای پنهانی (مانند دستبند و گردن بند) نیز لازم است.

مسئله ۷۳۰- هرگاه در بین نماز بفهمد که قسمتی را که باید بپوشاند پیدا است باید فوراً آن را بپوشاند، به شرط این که کاری که صورت نماز را بر هم می زند به جا نیآورد و چنانچه پوشاندن آن زیاد طول بکشد احتیاط واجب آن است خود را بپوشاند و نماز را تمام کند و دوباره بخواند.

مسئله ۷۳۱- هرگاه بعد از نماز بفهمد که مقدار واجب را در حال نماز نپوشانده، نمازش صحیح است.

مسئله ۷۳۲- انسان می تواند خود را در نماز با برگ درختان یا علف بپوشاند، ولی احتیاط مستحب آن است هنگامی از اینها استفاده کند که چیز دیگری نباشد.

مسئله ۷۳۳- اگر چیزی غیر از گل در اختیار ندارد باید بدن خود را با آن بپوشاند و نماز بخواند.

مسئله ۷۳۴- هرگاه برهنه است و چیزی برای پوشانیدن بدن در نماز ندارد، چنانچه احتمال می دهد تا آخر وقت پیدا کند، احتیاط آن است که نماز را به تأخیر اندازد و اگر پیدا نکرد چنانچه کسی او را می بیند باید نشسته نماز بخواند و عورت خود را به این وسیله بپوشاند و اگر کسی او را نمی بیند ایستاده نماز بخواند و بنا بر احتیاط واجب عورت را با دست بپوشاند و رکوع و سجود را با اشاره انجام دهد و برای سجود سر را قدری پایین تر بیاورد.

شرایط لباس نمازگزار

مسئله ۷۳۵- لباس نمازگزار شش شرط دارد: ۱- پاک بودن. ۲- غصبی نبودن، بنا بر احتیاط واجب. ۳- اجزاء مردار نباشد. ۴- از حیوان حرام گوشت نباشد. ۵ و ۶- اگر نمازگزار مرد است لباس او از ابریشم خالص یا طلا بافت نباشد و شرح اینها در مسائل آینده خواهد آمد.

شرط اول - پاک بودن

مسئله ۷۳۶- اگر کسی عمداً با لباس یا بدن نجس نماز بخواند نمازش باطل است، حتی اگر به خاطر یاد نگرفتن مسئله باشد.

مسئله ۷۳۷- اگر خبر ندارد که بدن یا لباسش نجس است و بعد از نماز بفهمد، نمازش صحیح است، اما اگر قبلاً باخبر بوده و فراموش کرده و با آن نماز خوانده باید نماز را اعاده کند، خواه در وسط نماز یادش بیاید، یا بعد از نماز و اگر وقت نماز گذشته باید قضا کند.

مسئله ۷۳۸- هرگاه کسی مشغول نماز است و در وسط نماز لباس یا بدن او نجس شود، یا بفهمد لباس یا بدن او نجس شده است اما نداند همان موقع نجس شده یا از قبل نجس بوده، چنانچه آب در دسترس اوست و آب کشیدن بدن یا لباس یا عوض کردن آن نماز را به هم نمی زند باید همان موقع آن را آب بکشد، یا عوض کند، سپس نماز را ادامه دهد و اگر ممکن نیست باید نماز را بشکند و با بدن و لباس پاک نماز بخواند و این در صورتی است که وقت تنگ نباشد و الاً با همان حال نماز می خواند و صحیح است.

مسئله ۷۳۹- کسی که بعد از نماز بفهمد بدن یا لباسش نجس بوده نمازش صحیح است، خواه در وقت باشد یا بعد از وقت.

مسئله ۷۴۰- هرگاه لباس یا بدن نجس بوده و آن را آب بکشد و یقین به پاکی آن پیدا کند و نماز بخواند و بعد از نماز بفهمد هنوز پاک نشده است، نماز او صحیح است و برای نمازهای بعد باید آن را پاک کند.

مسئله ۷۴۱- هرگاه در لباس خود خونی ببیند و یقین کند که به مقدار کمتر از درهم است و یا خون زخم و دمل است که برای نماز اشکال ندارد و با آن نماز بخواند، بعد بفهمد خون بیش از مقدار درهم بوده، یا خون از غیر زخم و دمل است نمازش صحیح است.

مسئله ۷۴۲- هرگاه نجس بودن چیزی را فراموش کند و بدن یا لباسش با رطوبت به آن ملاقات کند و نماز بخواند بعد یادش بیاید نماز او صحیح است، ولی اگر بدنش با رطوبت به چیزی که نجس بودن آن را فراموش کرده ملاقات کند و بدون آن که خود را آب بکشد، غسل کند، غسل و نمازش باطل است.

مسئله ۷۴۳- کسی که یک لباس بیشتر ندارد هرگاه بدن و لباس او هر دو نجس شود و به اندازه آب کشیدن یکی از آن دو بیشتر آب ندارد احتیاط واجب آن است که بدن را آب بکشد و نماز را با همان لباس نجس بخواند، ولی اگر نجاست لباس شدید تر باشد (مثلاً نجاستش از بول باشد که باید آن را با آب قلیل دو مرتبه شست و نجاست بدن مثلاً از خون باشد که یک مرتبه شستن کافی است) احتیاط واجب آن است که لباس را بشوید و با نجاست بدن نماز را بخواند.

مسئله ۷۴۴- هرگاه کسی غیر از لباس نجس لباس دیگری در اختیار ندارد و احتمال نمی دهد تا آخر وقت لباس پاک پیدا کند باید با همان لباس نماز بخواند.

مسئله ۷۴۵- کسی که دو لباس دارد و می داند یکی از آن دو نجس است اما نمی داند کدامیک از آنهاست با هیچ کدام نمی تواند نماز بخواند و باید هر دو را آب بکشد و اگر توانایی بر این کار نداشته باشد باید دو نماز جداگانه با آن دو لباس بخواند.

شرط دوم - غصبی نبودن

مسئله ۷۴۶- لباس نمازگزار بنا بر احتیاط واجب باید مباح باشد و اگر عمداً در لباس غصبی نماز بخواند حتی اگر نخ یا دکمه آن غصبی باشد نماز را اعاده کند، ولی اگر نمی دانست غصبی است و با آن نماز خواند نمازش صحیح است، همچنین اگر قبلاً می دانسته غصبی است و بعد فراموش کرده، مگر این که غاصب خود نمازگزار باشد، به این معنی که چیزی را غصب کرده و بعد فراموش نموده و با آن نماز خوانده است در اینجا احتیاط واجب آن است که اعاده نماید.

مسئله ۷۴۷- چنانچه در اثناء نماز متوجه شود که لباس او غصبی است اگر چیز دیگری که عورت او را بپوشاند در تن دارد باید لباس غصبی را بیرون آورد و نماز را ادامه دهد و اگر چیز دیگری در تن ندارد نماز را بشکند و با لباس غیر غصبی نماز بخواند.

مسئله ۷۴۸- اگر کسی برای حفظ جان خود با لباس غصبی نماز بخواند نمازش صحیح است، همچنین اگر برای حفظ آن لباس از دستبرد دزد و مانند آن، آن را بپوشد، نمازش درست است.

مسئله ۷۴۹- اگر با پولی که خمس یا زکات آن را نداده لباس بخرد، نماز در آن لباس اشکال دارد، همچنین اگر لباسی را نسیه بخرد اما در موقع معامله قصدش این باشد که از پولی که خمس یا زکات آن را نداده بدهی خود را بدهد یا اصلاً بدهی خود را ندهد نمازش اشکال دارد.

شرط سوم - از اجزاء مردار نباشد

مسئله ۷۵۰- لباس نمازگزار باید از اجزاء حیوان مرده ای که خون جهنده دارد نباشد، بلکه احتیاط واجب آن است که از اجزای حیوانهای مرده دیگر که خون جهنده ندارند (مانند ماهی و مار) نیز اجتناب کند.

مسئله ۷۵۱- نمازگزار باید از اجزای مردار چیزی همراه نداشته باشد هرچند به صورت لباس هم نباشد اما اجزایی که مانند مو و پشم بی روح است مانعی ندارد، مثلاً می توان از مو و پشم مردار حلال گوشت لباس تهیه کرد و با آن نماز خواند.

مسئله ۷۵۲- با لباسهای چرمی که از بازار مسلمانان تهیه می شود می توان نماز خواند هرچند شک داشته باشد که از حیوانی است که ذبح شرعی شده یا نه، اما اگر یقین داشته باشد که چرم را از ممالک غیر اسلامی آورده اند و فروشنده یک انسان لایالی است که درباره آن تحقیق نکرده نماز با آن جایز نیست و اگر نداند چرم از بلاد اسلامی است یا غیر بلاد اسلامی اشکالی ندارد.

شرط چهارم - از حیوان حرام گوشت نباشد

مسئله ۷۵۳- لباس نمازگزار باید از حیوان حرام گوشت نباشد، حتی اگر مویبی از آن همراه نمازگزار باشد اشکال دارد.

مسئله ۷۵۴- هرگاه آب دهان یا بینی یا رطوبت دیگری از حیوان حرام گوشت (مانند گربه) در بدن یا لباس نمازگزار باشد مادام که عین آن برطرف نشده نماز با آن

اشکال دارد، اما اگر خشک شود و عین آن برطرف گردد نماز صحیح است.

مسئله ۷۵۵- بودن مو یا عرق یا آب دهان انسانی در بدن یا لباس انسانی دیگر برای نماز او اشکال ندارد.

مسئله ۷۵۶- اگر مروارید یا موم همراه نمازگزار باشد برای نماز او اشکالی ندارد ولی نماز خواندن با دکمه صدف که از حیوان حرام گوشت گرفته می شود مشکل است.

مسئله ۷۵۷- اگر شک داشته باشد که لباس از پشم و کرک و موی حیوان حلال گوشت است یا حرام گوشت، نماز با آن صحیح است، خواه در داخل تهیه شده باشد یا در خارج.

مسئله ۷۵۸- این ایام چرمهای مصنوعی را به وسیله مواد پلاستیکی و مانند آن می سازند نماز خواندن با آن اشکالی ندارد و هرگاه شک کند که چیزی چرم مصنوعی است یا چرم واقعی یا از حیوان حرام گوشت، یا حیوان مرده، آن هم اشکالی ندارد.

مسئله ۷۵۹- بنا بر احتیاط واجب باید از پوست خز و سنجاب در نماز اجتناب کرد.

شرط پنجم - طلا بافت نباشد

مسئله ۷۶۰- نماز خواندن با لباس طلا بافت برای مردان جایز نیست و نماز را باطل می کند، ولی برای زنان در صورتی که اسراف نباشد اشکالی ندارد، در غیر حال نماز نیز پوشیدن چنین لباسی برای مردان حرام است.

مسئله ۷۶۱- زینت طلا مانند انگشتر طلا و یا ساعت مچی طلا و مانند آن برای مردان حرام است و نماز با آن نیز باطل است و احتیاط واجب آن است که از استعمال عینک طلا نیز خودداری شود ولی همه اینها برای زنان در نماز و غیر نماز جایز است.

مسئله ۷۶۲- دندان طلا اگر در جلو باشد و جنبه زینت داشته باشد برای مردان چه در نماز و چه در غیر نماز اشکال دارد، مگر این که ناچار باشند.

شرط ششم - از ابریشم خالص نباشد

مسئله ۷۶۳- پوشیدن لباس از ابریشم خالص برای مردان حرام است، حتی عرقچین و بند شلوار و نماز با آن باطل است، حتی آستر لباس نیز نباید از ابریشم خالص باشد، اما برای زنان همه اینها چه در حال نماز و چه در غیر نماز جایز است.

مسئله ۷۶۴- لباسی که معلوم نیست از ابریشم خالص است یا چیز دیگر پوشیدن آن اشکال ندارد و نماز با آن صحیح است.

مسئله ۷۶۵- اگر دستمال ابریشمی و مانند آن در جیب مرد باشد حرام نیست و نماز را باطل نمی کند.

مسئله ۷۶۶- هرگاه لباس مخلوط از ابریشم و غیر آن باشد اشکالی برای هیچ کس ندارد، اما اگر غیر ابریشم بقدری کم باشد که به حساب نیاید برای مرد جایز نیست.

مسئله ۷۶۷- در حال اضطرار و ناچاری پوشیدن لباس ابریشمی خالص و طلا بافت یا غصبی و یا لباسی که از مردار تهیه شده مانعی ندارد و می تواند با آن نماز بخواند.

مسئله ۷۶۸- اگر غیر از لباس نجس و ابریشمی و طلا بافت یا لباسی که از مردار یا حیوان حرام گوشت تهیه شده لباس دیگری ندارد باید با همان نماز بخواند، ولی اگر لباس او منحصر به غصبی است و می تواند برهنه نماز بخواند باید به دستوری که برای برهنگان گفته شد عمل کند.

مسئله ۷۶۹- هرگاه لباسی که نماز در آن جایز است در اختیار ندارد اگر می تواند باید بخرد یا کرایه کند و اگر دیگری به او ببخشد یا عاریه دهد چنانچه منت و ناراحتی زیادی نداشته باشد باید قبول کند.

مسئله ۷۷۰- بنابر احتیاط واجب باید انسان از پوشیدن لباس شهرت خودداری کند، منظور از لباس شهرت لباسی است که جنبه ریاکاری دارد و می خواهد به وسیله آن مثلاً به زهد و ترک دنیا مشهور شود، خواه از جهت پارچه یا رنگ آن باشد یا دوخت آن، اما اگر واقعا قصدش ساده پوشیدن است و جنبه ریا کاری ندارد نه تنها جایز است بلکه عملی است شایسته و اگر کسی با لباس شهرت نماز بخواند نماز او باطل نیست.

مسئله ۷۷۱- پوشیدن لباسی که مایه هتک و بی آبرویی انسان یا منشأ فساد می شود اشکال دارد.

مسئله ۷۷۲- احتیاط آن است که مرد لباس مخصوص زنان و زن لباس مخصوص مردان را نپوشد، ولی نماز با آن اشکال ندارد.

مسئله ۷۷۳- کسی که باید خوابیده نماز بخواند هرگاه برهنه باشد، بنابر احتیاط واجب باید لحاف یا تشک او نجس یا ابریشم خالص و مانند آن که در بالا گفته شد نباشد، مگر در حالت اضطرار.

مواردی که نجس بودن لباس یا بدن نماز گزار جایز است

مسئله ۷۷۴- در شش صورت اگر بدن یا لباس نماز گزار نجس باشد نماز او صحیح است:

۱- در جایی که به واسطه زخم یا جراحت و دمل، لباس یا بدن به خون آلوده شده باشد.

۲- در جایی که خون موجود در لباس کمتر از درهم باشد (درهم تقریباً به اندازه یک «بند انگشت» اشاره است).

۳- هرگاه لباسهای کوچک مانند جوراب و عرقچین او نجس باشد.

۴- محمول منتجس.

۵- لباس زنی که پرستار بچه است.

۶- در جایی که ناچار است با بدن یا لباس نجس نماز بخواند. شرح اینها در مسائل آینده خواهد آمد.

مسئله ۷۷۵- اول هرگاه در بدن یا لباس نمازگزار خون زخم یا جراحت یا دمل باشد اگر به گونه ای است که آب کشیدن بدن یا لباس، کار مشکلی است تا وقتی که زخم یا جراحت و دمل خوب نشده می تواند با آن نماز بخواند، همچنین است چرکی که با خون بیرون می آید، یا دوایی که روی زخم می گذارند و نجس می شود، ولی اگر زخم بزودی خوب می شود و شستن خون آن از لباس یا بدن آسان است باید آن را آب کشد.

مسئله ۷۷۶- جایی از لباس یا بدن که با زخم فاصله دارد اگر با آن نجسشود باید آن را آب بکشد، مگر جاهایی که معمولاً خون از زخم به آنجاسرایت می کند.

مسئله ۷۷۷- هرگاه به آسانی می تواند زخم را پانسمان کند و از سرایت خون به سایر بدن یا لباس جلوگیری کند باید این کار را انجام دهد.

مسئله ۷۷۸- هرگاه زخم داخل بینی یا دهان باشد و خونی از آن به بدن یا لباس رسد احتیاط واجب آن است که با آن نماز نخواند، خون بواسیر نیز اگر از داخل بدن باشد همین حکم را دارد.

مسئله ۷۷۹- کسی که بدنش زخم است اگر در لباس یا بدن خود خونی ببیند و نداند از آن زخم است یا خون دیگر نماز خواندن با آن مشکل است.

مسئله ۷۸۰- اگر چند زخم در بدن وجود دارد و بطوری نزدیک هم است که یک زخم حساب می شود تا وقتی که همه خوب نشده است نماز خواندن با آنها اشکال ندارد، ولی اگر به اندازه ای از هم دور است که هر کدام یک زخم حساب می شود، هر کدام خوب شود باید بدن و لباس را از خون آن آب بکشد.

مسئله ۷۸۱- دوم از موارد عفو، خون کمتر از درهم است که در لباس نمازگزار باشد، نماز خواندن با آن جایز است به شرط این که از خون حیض یا نفاس و استحاضه و خون سگ و خوک و مردار و خون حیوان حرام گوشت و همچنین خون کافر نباشد(بنابر احتیاط واجب).

مسئله ۷۸۲- هرگاه خون در چند جای لباس پراکنده باشد اگر مجموع آن کمتر از درهم است برای نماز ضرری ندارد، ولی خونی که بر بدن است به هر مقدار باشد بنابر احتیاط واجب باید آن را شست.

مسئله ۷۸۳- هرگاه لباس دارای آستر است اگر خون به آستر نیز سرایت کند هر کدام خون جداگانه ای حساب می شود، ولی در پارچه اگر زیاد ضخیم نباشد و از یک طرف به طرف دیگر سرایت کند، پشت و روی آن یکی محسوب می شود.

مسئله ۷۸۴- خونی که کمتر از مقدار درهم است هرگاه بدون شستن از لباس زایل شود جای آن نجس است، ولی برای نماز اشکالی ندارد.

مسئله ۷۸۵- اگر خونی که در لباس است کمتر از درهم باشد و نجاست دیگری مانند بول روی آن بریزد نماز خواندن با آن جایز نیست.

مسئله ۷۸۶- سوم از موارد عفو، لباسهای کوچک نمازگزار است، مانند عرقچین و جورابی که نمی توان با آن عورت را پوشانید، اگر نجس باشد نماز با آنها صحیح است و همچنین انگشتر و عینک که نجس شده است.

مسئله ۷۸۷- چهارم، هرگاه دستمال یا لباس نجسی که می توان با آن عورت را پوشانید در جیب نمازگزار باشد نماز او صحیح است و همچنین سایر اشیاء نجس، ولی احتیاط مستحب اجتناب از آن است.

مسئله ۷۸۸- پنجم، زنی که پرستار بچه است و نمی تواند برای نماز به آسانی لباس طاهر تهیه کند، هرگاه در شبانه روز یک مرتبه لباس خود را بشوید می تواند با آن نماز بخواند، هر چند لباسش با بول بچه نجس شود، ولی احتیاط آن است که لباس خود را برای اولین نمازی که به جا می آورد آب بکشد.

مسئله ۷۸۹- هرگاه بتواند با وسایلی (مثلاً با پوشکهای معمولی) جلو سرایت نجاست بچه را بگیرد باید چنین کند و نیز اگر لباسهای متعدد دارد باید از لباس پاک استفاده کند.

مستحبات و مکروهات لباس نمازگزار

مسئله ۷۹۰- چند چیز در لباس نمازگزار به امید ثواب مطلوب است، از آن جمله: پوشیدن لباس سفید و پاکیزه ترین لباسها و استعمال بوی خوش و انگشتر عقیق به دست کردن.

مسئله ۷۹۱- ترک چند چیز در لباس نمازگزار به امید ثواب مطلوب است از جمله: پوشیدن لباس سیاه (مگر در مورد تعظیم شعائر، چادر، عبا، و عمامه سادات) و لباس کثیف و تنگ و لباس کسی که از نجاست پرهیز نمی کند، مخصوصاً لباس شرابخوار و باز بودن دکمه های لباس و پوشیدن لباسی که نقش صورت دارد و همچنین انگشتری که روی آن صورت انسان یا حیوانی نقش شده است.

مکان نمازگزار

مسئله ۷۹۲- مکان نمازگزار باید دارای شرایط زیر باشد:

شرط اول - مباح بودن

احتیاط واجب آنست که مکان نمازگزار مباح باشد، بنابراین کسی که در ملک غصبی یا روی فرش یا تخت غصبی نماز می خواند نمازش اشکال دارد، همچنین نماز

در ملکی که منفعت آن متعلق به دیگری است (مثل این که در اجاره اوست) که نماز خواندن در آن بدون اجازه مستأجر اشکال دارد، همچنین در ملکی که مورد تعلق حق دیگری است، مثل این که میت وصیت کرده که ثلث مال او را به مصرفی برسانند تا وقتی که ثلث را جدا نکنند نمی توان در آن ملک نماز خواند.

مسئله ۷۹۳- کسی که در مسجد نشسته اگر دیگری جای او را غصب کند و در آن نماز بخواند بنا بر احتیاط واجب باید نمازش را اعاده کند.

مسئله ۷۹۴- هرگاه در جایی نماز بخواند و بعد از نماز بفهمد غصبی است نمازش صحیح است، همچنین اگر غصبی بودن جایی را می دانست اما فراموش کرد و بعداً به خاطرش آمد، ولی اگر خود غاصب فراموش کند و نماز بخواند نمازش اشکال دارد.

مسئله ۷۹۵- هرگاه بدانند مکانی غصبی است، اما این مسئله را که نباید در جای غصبی نماز بخواند نمی دانست، هرگاه در آنجا نماز بخواند بنا بر احتیاط واجب نمازش را اعاده کند.

مسئله ۷۹۶- کسی که ناچار است نماز واجب را سواره بخواند چنانچه مرکب یا صندلی و زین آن غصبی باشد و مجبور نباشد بر آن مرکب نماز بخواند نماز او اشکال دارد، همچنین است اگر بخواهد در حال اختیار نماز مستحبی را سواره بخواند.

مسئله ۷۹۷- کسی که با دیگری در ملکی شریک است اگر سهم او جدا نباشد بدون اجازه شریکش نمی تواند در آن ملک تصرف کند و نماز بخواند.

مسئله ۷۹۸- اگر با پولی که خمس و زکات آن را نداده ملکی بخرد، تصرف او در آن ملک حرام است و نمازش هم در آن اشکال دارد، همچنین است اگر به ذمه بخرد اما هنگام خریدن قصدش این باشد از مالی که خمس یا زکاتش را نپرداخته پول آن را بپردازد که بنا بر احتیاط واجب باید از آن اجتناب کند.

مسئله ۷۹۹- هرگاه رضایت صاحب ملک از قرائن روشن و قطعی باشد نماز خواندن در آن ملک اشکالی ندارد، هرچند به زبان نگوید و بعکس اگر با زبان اجازه دهد اما بدانند قلباً راضی نیست نمی تواند نماز بخواند.

مسئله ۸۰۰- تصرف و نماز خواندن در ملک میتی که خمس یا زکات بدهکار است حرام است، مگر آن که بدهی او را بدهند.

مسئله ۸۰۱- تصرف و نماز خواندن در ملک میتی که به مردم بدهکار است با اجازه ورثه مانعی ندارد، مگر این که آن تصرف مزاحم حق طلبکاران گردد.

مسئله ۸۰۲- هرگاه بعضی از ورثه میت، صغیر یا دیوانه یا غایب باشند تصرف در ملک آنها و نماز در آن حرام است، ولی تصرفات جزئی که برای برداشتن میت معمول است اشکال ندارد.

مسئله ۸۰۳- نماز خواندن در مسافرخانه ها و حمامها و مانند آن برای مسافران و مشتریان که طبق متعارف وارد آنجا می شوند اشکال ندارد، ولی در اماکن خصوصی بدون اجازه مالک جایز نیست، مگر آن که اجازه تصرفی بدهد که معلوم شود برای نماز خواندن نیز راضی است مثل این که کسی را به ناهار یا شام یا

استراحت دعوت کند که مسلماً برای نماز نیز رضایت دارد.

مسئله ۸۰۴- در زمینهای بزرگ زراعتی و غیر زراعتی که دیوار ندارد و زراعتی فعلاً در آن نیست نماز خواندن و نشستن و خوابیدن و تصرفات جزئی اشکال ندارد، خواه نزدیک شهر و روستا باشد یا دور از آن و خواه مالکین آن صغیر باشند یا کبیر، ولی اگر صاحبش صریحاً بگوید راضی نیستیم یا بدانیم قلباً راضی نیست تصرف در آن حرام و نماز نیز اشکال دارد.

شرط دوم - استقرار

مسئله ۸۰۵- اگر مکان نمازگزار متحرک باشد بطوری که نتواند کارهای نماز را بطور عادی انجام دهد، نماز او باطل است بنابراین، نماز خواندن در کشتی و قطار و مانند آن اگر بتواند کارهای نماز را صحیح انجام دهد اشکال ندارد و اگر از جهت تنگی وقت یا ضرورت دیگری ناچار باشد نماز را در کشتی و اتومبیل و مانند آن بخواند و قبله دائماً در حال تغییر باشد باید تا آنجا که می تواند به طرف قبله برگردد و در حال برگشتن به سوی قبله چیزی نخواند.

مسئله ۸۰۶- نماز خواندن روی خرمن گندم و جو و مانند اینها که مقداری حرکت دارد جایز است به شرط این که بتواند واجبات نماز را انجام دهد.

مسئله ۸۰۷- در جایی که به واسطه احتمال باد و باران یا فشار جمعیت و مانند آن اطمینان ندارد که بتواند نماز را تمام کند اگر به امید تمام کردن شروع کند و به مانعی برخورد نماید نمازش صحیح است.

مسئله ۸۰۸- در جایی که ماندن در آن حرام است (مثلاً جایی که خطر خراب شدن سقف، یا ریزش کوه و آمدن سیلاب دارد) باید نماز نخواند و اگر بخواند احتیاط واجب اعاده آن است، همچنین روی چیزی که ایستادن و نشستن بر آن حرام است مانند فرشی که نام خدا بر آن نوشته شده است.

شرط سوم - توانائی انجام واجبات در آن محل

مسئله ۸۰۹- باید در جایی نماز بخواند که بتواند واجبات را انجام دهد، پس در جایی که سقف آن کوتاه است و نمی تواند بایستد یا جای رکوع و سجود ندارد نماز باطل است.

مسئله ۸۱۰- شایسته است انسان رعایت ادب کند و جلوتر از قبر پیغمبر (صلی الله علیه وآله) و امام (علیه السلام)، نماز نخواند و در صورتی که نماز خواندن هتک و بی احترامی باشد حرام است و نماز هم اشکال دارد، در غیر این صورت نماز باطل نیست.

شرط چهارم - تقدّم مرد بر زن

مسئله ۸۱۱- باید در نماز، زن عقب تر از مرد بایستد و جای سجده او از جای سجده مرد کمی عقب تر باشد و الاً نماز باطل است در این حکم محرم و غیر محرم

تفاوتی ندارند، ولی اگر میان مرد و زن دیوار یا پرده و مانند آن باشد، یا به اندازه ده ذراع (تقریباً ۵ متر) فاصله باشد اشکال ندارد.

مسئله ۸۱۲- اگر زن در کنار مرد یا جلوتر بایستد و باهم وارد نماز شوند نماز هر دو باطل است، اما اگر یکی قبلاً وارد نماز شده، نماز او صحیح و نماز دومی باطل است.

شرط پنجم - بلندتر نبودن محلّ پیشانی از جای ایستادن

مسئله ۸۱۳- باید محلّ پیشانی نمازگزار از جای ایستادن او به اندازه ای بلند نباشد که از صورت سجده بیرون رود و احتیاط واجب آن است بیش از چهار انگشت بسته بلندتر یا پست تر نباشد.

مسئله ۸۱۴- بودن مرد با زن نامحرم در جای خلوت که دیگری نمی تواند به آنجا وارد شود اشکال دارد و احتیاط واجب ترک آن است و نماز خواندن در آنجا نیز اشکال دارد، همچنین نماز خواندن در محلّی که مجلس گناه است مثلاً در آنجا شراب می نوشند، قمار می زنند یا غیبت می کنند.

مسئله ۸۱۵- احتیاط واجب آن است که نماز واجب را در خانه کعبه نخوانند، ولی نماز مستحب اشکال ندارد، بلکه مستحب است در داخل خانه کعبه در مقابل هر زاویه ای دو رکعت نماز بخوانند، ولی نماز بر پشت بام کعبه خواه واجب یا مستحب اشکال دارد.

مکانهایی که نماز خواندن در آنها مستحب یا مکروه است

مسئله ۸۱۶- مستحب است انسان نماز را در مسجد بخواند و بسیار روی آن تاکید شده و بهتر از همه مساجد، مسجدالحرام است، سپس مسجد پیغمبر(صلی الله علیه وآله) و بعد مسجد کوفه و بعد از آن مسجد بیت المقدس است و در درجه بعد مسجد جامع هر شهر و بعد از آن مسجد محله و مسجد بازار است.

مسئله ۸۱۷- برای زنها در صورتی که خود را از نامحرم بخوبی حفظ کنند بهتر است نماز را در مسجد بخوانند و اگر راهی برای یاد گرفتن مسائل اسلامی جز از طریق رفتن به مسجد وجود ندارد واجب است به مسجد بروند.

مسئله ۸۱۸- نماز در حرم امامان(علیهم السلام) مستحب است، بلکه در حدیث آمده نماز در حرم مطهر حضرت امیرالمؤمنین(علیه السلام) برابر با دویست هزار نماز است.

مسئله ۸۱۹- رفتن به مسجدی که نمازگزار ندارد مستحب است و همسایگان مسجد تا عذری نداشته باشند نماز در مسجد را ترک نکنند.

مسئله ۸۲۰- شایسته است انسان با کسانی که از روی بی اعتنایی، به مسجد مسلمانها حاضر نمی شوند رابطه دوستی برقرار نکند، با آنها غذا نخورد و در کارها با آنها مشورت ننماید و از آنها زن نگیرد و به آنها زن ندهد.

مسأله ۸۲۱- شایسته است نماز را در این چند جا نخوانند: حَمَام، زمینمک زار، مقابل انسانی که نشسته یا ایستاده است، مقابل دری که باز است و در جاده ها، و کنار خیابانها، در صورتی که مزاحم عبور و مرور مردم نباشد، و اگر مزاحم باشد حرام است؛ همچنین نماز خواندن در مقابل آتش، چراغ، داخل آشپزخانه و هر جا که کوره آتش باشد، مقابل چاه و چاله ای که محلّفاضلاب است و روبه روی عکس و مجسمه چیزی که روح دارد، مگر آن که رویان پرده بکشند و در جایی که عکس باشد هر چند مقابل نمازگزار نیست و در مقابل قبر و روی قبر و در قبرستان و در اطّاقی که شخص جُنُب در آن باشد.

مسأله ۸۲۲- هرگاه انسان در جایی نماز می خواند که مردم از جلو او عبور می کنند مستحبّ است جلو خود چیزی بگذارد که میان او و آنها حایل گردد، حتّی اگر عصا و تسبیح و ریسمانی هم باشد کافی است.

چیزی که سجده بر آن صحیح است

مسأله ۹۶۵- هنگام سجده باید پیشانی بر زمین یا چیزهایی که از زمین می روید مانند چوب و برگ درختان باشد، ولی سجده بر چیزهای خوراکی و پوشاکی هر چند از زمین بروید جایز نیست و همچنین سجده کردن بر فلزات مانند طلا و نقره باطل است، امّا سجده بر سنگهای معدنی مانند سنگ مرمر و سنگهای سفیدوسبیه و حتّی عقیق اشکال ندارد.

مسأله ۹۶۶- احتیاط واجب آن است که بر برگ درخت مو که بعضی آن را در غذا مصرف می کنند سجده نکند.

مسأله ۹۶۷- سجده بر علف و کاه و مانند اینها که از زمین می روید و خوراک حیوان است اشکال ندارد و همچنین سجده بر گلهایی که خوراکی انسان نیستند، امّا گلها و گیاهانی که از قبیل داروی خوراکی هستند مانند گل بنفشه و گل گاو زبان بنا بر احتیاط، سجده بر آنها صحیح نیست، همچنین سجده بر گیاهانی که در بعضی از شهرها خوراکی است و در بعضی از شهرها خوراکی نیست.

مسأله ۹۶۸- سجده بر سنگ آهک و سنگ گچ چه قبل از پخته شدن و چه بعد از آن صحیح است، همچنین بر آجر و سفال و سیمان نیز جایز است.

مسأله ۹۶۹- سجده بر کاغذ جایز است مگر آن که یقین داشته باشیم از پنبه یا چیزهایی ساخته شده که سجده بر آنها شرعاً جایز نیست و از آنجا که غالب کاغذها را در حال حاضر از چوب می سازند و یا حداقل شک داریم از چه می سازند سجده بر آنها جایز است.

مسأله ۹۷۰- بهتر از هر چیز برای سجده خاک مخصوصاً «تربت حضرت سید الشّهداء(علیه السلام)» است که یادآور خونهای شهیدان می باشد.

مسأله ۹۷۱- هرگاه چیزی که سجده بر آن صحیح است در اختیار ندارد، یا به واسطه گرمی و سردی زیاد نمی تواند بر آن سجده کند، باید بر لباسش اگر از کتان یا پنبه است سجده کند و اگر از چیز دیگر است (مثلاً از پشم است) بر همان یا بر فرش سجده نماید و اگر آن هم ممکن نیست بر فلزات و اشیاء معدنی سجده کند و اگر مطلقاً چیزی پیدا نمی کند که بتوان بر آن سجده کرد بر پشت دست خود سجده می کند، بنا بر این پشت دست آخرین چیزی است که می توان بر آن

سجده کرد.

مسأله ۹۷۲- هرگاه در سجده اول مهر به پیشانی بچسبید باید آن را برای سجده دوم از پیشانی جدا کند و اگر به همان حال به سجده دوم رود اشکال دارد.

مسأله ۹۷۳- هرگاه در اثناء نماز چیزی را که سجده بر آن صحیح است از دست بدهد، مثلاً بچه ای آن را بردارد، چنانچه وقت نماز باقی است نماز را تمام کرده و بنابر احتیاط دوباره می خواند و اگر وقت تنگ است قضا ندارد، در هر دو صورت به ترتیبی که در دو مسأله قبل گفته شد عمل نماید.

مسأله ۹۷۴- هرگاه در حال سجده متوجه شود پیشانی را بر چیزی گذارده که سجده بر آن جایز نیست، اگر ممکن است و منافات با صورت نماز گزار ندارد پیشانی را به روی چیزی که سجده بر آن صحیح است بکشد و اگر دسترسی ندارد و وقت تنگ است به دستور مسأله پیش عمل کند.

مسأله ۹۷۵- هرگاه بعد از نماز یا بعد از سجده متوجه شود بر چیزی سجده کرده که سجده بر آن جایز نبوده، نمازش صحیح است.

مسأله ۹۷۶- سجده کردن برای غیر خداوند متعال حرام است و بعضی از مردم عوام که در مقابل قبر امامان(علیهم السلام) پیشانی را بر زمین می گذارند اگر به قصد سجده برای امام(علیه السلام) باشد فعل حرام است و اگر برای شکر خدا باشد اشکالی ندارد، ولی اگر در نظر بینندگان چنین نشان دهد که سجده برای امام(علیه السلام) است یا بهانه به دست دشمنان دهد اشکال دارد.

مستحبات سجده

مسأله ۹۷۷- چند چیز در سجده به رجا ثواب الهی مطلوب است:

۱- بعد از سر برداشتن از رکوع در حالی که بدن آرام است برای رفتن به سجده تکبیر گوید و همچنین بعد از سجده اول و نیز برای رفتن به سجده دوم.

۲- مردان اول دستها را به زمین بگذارند و زنان اول زانوها را.

۳- علاوه بر پیشانی، بینی را نیز بر چیزی که سجده بر آن صحیح است بگذارد.

۴- در حال سجده انگشتان دست را به هم بچسباند و مقابل گوش رو به قبله بگذارد.

۵- در سجده دعا کند و حاجات خود را از خداوند بخواهد و از دعاهای خوب و مناسب این دعا است: «یا خَیْرَ الْمَسْئُولِیْنَ وَ اَوْسَعَ الْمُعْطِیْنَ اَرْزُقْنِیْ وَ ارْزُقْ عِیَالِیْ مِنْ فَضْلِکَ فَإِنَّکَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِیْمِ» یعنی: «ای بهترین کسی که مردم از او حاجت می طلبند و ای بهترین بخشندگان، به من و عیالم از فضل خودت روزی بده که تو دارای فضل عظیمی.»

۶- بعد از سجده روی ران چپ بنشینند، و روی پای راست را بر کف پای چپ بگذارد (و این را تَوَزُّک گویند).

۷- در میان دو سجده هنگامی که بدن آرام است «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ» گوید.

۸- سجده را طولانی کند و تسبیح و حمد و ذکر خدا گوید و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد.

۹- در موقع نشستن دستها را روی ران بگذارد.

۱۰- به هنگام بلند شدن، اول زانوها را از زمین بردارد و بعد دستها را.

مکروهات سجده

مسئله ۹۷۸- قرآن خواندن در سجده مکروه است، همچنین فوت کردن محلّ سجده برای برطرف کردن گرد و غبار و اگر در اثر فوت کردن عمداً کلمه دو حرفی از دهان بیرون آید نماز اشکال دارد.

سجده های واجب قرآن مجید

مسئله ۹۷۹- چنان که گفته شد در چهار سوره از قرآن مجید آیه سجده است (سوره «الم سجده» و «حم سجده» و «النجم» و «اقرء») و هرگاه انسان آیه سجده را بخواند یا گوش کند باید فوراً به سجده رود و اگر فراموش کرد هر زمان یادش آید سجده واجب است و اگر گوش ندهد بلکه آیه سجده به گوشش بخورد، بنا بر احتیاط واجب باید سجده کند.

مسئله ۹۸۰- اگر انسان خودش آیه سجده را بخواند و در همان حال از دیگری هم بشنود یک سجده کافی است.

مسئله ۹۸۱- هرگاه در غیر نماز در حال سجده آیه سجده را بخواند یا به آن گوش فرا دهد، باید سر از سجده بردارد و دوباره سجده کند.

مسئله ۹۸۲- هرگاه آیه سجده را از مثل نوار یا رادیو گوش کند احتیاط آن است که سجده کند.

مسئله ۹۸۳- در سجده واجب قرآن، باید پیشانی را بر چیزی بگذارد که سجده نماز بر آن جایز است بنا بر احتیاط واجب، همچنین ستر عورت و غصبی نبودن را رعایت کند، ولی سایر شرایطی که در نماز لازم است در این سجده واجب نیست.

مسئله ۹۸۴- برای سجده واجب قرآن کافی است به سجده رود و ذکر گفتن واجب نمی باشد، اما بهتر است ذکر بگوید و بهتر است این ذکر را انتخاب کند: «لا إله

إِلَّا اللَّهُ حَقًّا حَقًّا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِيْمَانًا وَ تَصَدِيقًا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عُبُودِيَّةً وَرِقًّا سَجْدَتُ لَكَ يَا رَبِّ تَعَبُّدًا وَرِقًّا لَا مُسْتَنْكَفًا وَ لَا مُسْتَكْبِرًا بَلْ أَنَا عَبْدٌ ذَلِيلٌ ضَعِيفٌ خَائِفٌ

مسئله ۹۸۵- در سجده قرآن، رو به قبله بودن شرط نیست و به هرسوی می تواند سجده کند، ولی بهتر روبه قبله بودن است.

۸- تشهد

مسئله ۹۸۶- در رکعت دوم تمام نمازها، تشهد واجب است، همچنین در رکعت آخر نماز مغرب و عشا و ظهر و عصر، و طریقه تشهد این است که بعد از سجده دوم می نشیند و در حال آرام بودن بدن ذکر تشهد را می گوید و کافی است بگوید: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ» و این کلمات باید به عربی صحیح و به ترتیب و پشت سر هم گفته شود.

مسئله ۹۸۷- هرگاه تشهد را فراموش کند اگر پیش از رکوع رکعت بعد یادش بیاید باید بنشیند و تشهد را بخواند و دوباره برخیزد و از نو تسبیحات را بخواند، اما اگر در رکوع یا بعد از آن یادش بیاید نمازش صحیح است و برگشتن واجب نیست، ولی احتیاط آن است که بعد از نماز تشهد را قضا کند و دو سجده سهو نیز به جا آورد.

مسئله ۹۸۸- اگر شک کند که تشهد را خوانده یا نه، در صورتی که وارد رکعت بعد شده اعتنا نکند و اگر هنوز بر نخاسته باید آن را بخواند.

مسئله ۹۸۹- مستحب است در حال تشهد بر ران چپ بنشیند و روی پای راست را بر کف پای چپ بگذارد و نیز مستحب است قبل از تشهد بگوید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ» یا «بِسْمِ اللَّهِ وَاللَّهُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَ خَيْرُ الْأَسْمَاءِ لِلَّهِ» و نیز مستحب است در حال تشهد دستها را بر ران بگذارد و انگشتها را به یکدیگر بچسباند و به دامان خود نگاه کند و بعد از تمام شدن تشهد اول بگوید: «وَوَقَّبلُ شَفَاعَتَهُ وَارْفَعُ دَرَجَتَهُ» (خداوندا شفاعت پیامبر(صلی الله علیه وآله) را بپذیر و درجه او را بالاتر ببر).

۹- سلام

مسئله ۹۹۰- در رکعت آخر تمام نمازها بعد از تشهد، واجب است سلام بگوید و سلام دارای سه صیغه است: «السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ» سلام واجب همان سلام سوم است و می تواند به آن قناعت کند، ولی اکتفا به سلام دوم به تنهایی مشکل است و سلام اول از مستحبات است.

مسئله ۹۹۱- اگر سلام نماز را فراموش کند و هنگامی یادش بیاید که صورت نماز به هم نخورده و کاری که عمداً و سهواً نماز را باطل می کند (مانند پشت به قبله کردن) انجام نداده است، باید سلام را بگوید و نمازش صحیح است، اما اگر موقعی یادش بیاید که صورت نماز به هم خورده، ولی کاری که عمداً و سهواً نماز را باطل می کند انجام نداده، سلام لازم نیست و نمازش صحیح است و اگر پیش از آن که صورت نماز به هم بخورد چنین کاری را انجام داده احتیاط واجب آن است که نماز را اعاده کند.

۱۰- ترتیب

مسئله ۹۹۲- نمازگزار باید کارهای نماز را به ترتیبی که در مسائل گذشته گفته شد انجام دهد و اگر عمداً برخلاف آن انجام دهد، مثلاً سجود را قبل از رکوع، یا تشهد را قبل از سجده انجام دهد نمازش باطل است و اگر از روی فراموشی باشد باید تا داخل رکن بعد نشده، برگردد و انجام دهد بطوری که ترتیب حاصل شود و اگر وارد رکن بعد شده نمازش صحیح است، مگر آن که جزء فراموش شده از ارکان نماز باشد، مثل این که رکوع را فراموش کند تا وارد سجده دوم شود که در این صورت نمازش باطل است.

۱۱- موالات

مسئله ۹۹۳- نمازگزار باید موالات را رعایت کند، یعنی در میان کارهای نماز، مانند رکوع و سجود و تشهد، آن قدر فاصله نیندازد که از صورت نماز خارج شود و گرنه نمازش باطل است خواه عمداً باشد یا از روی سهو.

مسئله ۹۹۴- اگر در میان حرفها یا کلمات قرائت، یا کلمات ذکر و تشهد سهواً فاصله بیندازد که صورت قرائت و کلمات از بین برود ولی صورت نماز از بین نرود باید برگردد و بطور صحیح بخواند، مگر آن که وارد رکن بعد شده باشد که نمازش صحیح است و بازگشت ندارد.

مسئله ۹۹۵- طول دادن رکوع و سجود و قنوت و خواندن سوره های طولانی در قرائت، موالات را به هم نمی زند، بلکه افضل است.

قنوت

مسئله ۹۹۶- قنوت در تمام نمازهای واجب و مستحب پیش از رکوع رکعت دوم مستحب است، ولی احتیاط آن است که در نماز شفع قنوت را ترک نماید و در نماز وتر با آن که یک رکعت است خواندن قنوت پیش از رکوع مستحب می باشد.

مسئله ۹۹۷- نماز آیات پنج قنوت و نماز عید فطر و قربان در رکعت اول پنج قنوت و رکعت دوم چهار قنوت دارند.

مسئله ۹۹۸- در قنوت، ذکر و دعای مخصوصی شرط نیست، همچنین بلند کردن دستها، ولی بهتر آن است دستها را تا مقابل صورت بلند کند بطوری که کف دست رو به آسمان باشد و آنها را به یکدیگر بچسباند و ذکر خدا بگوید و یا دعا کند و هر ذکری در قنوت بخواند جایز است حتی گفتن یک «سُبْحَانَ اللَّهِ»، ولی بهتر است دعاهایی مانند دعای زیر را بخواند: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْكَلِيمُ الْكَرِيمُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ وَ رَبِّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ وَ مَا فِيهِنَّ وَ مَا بَيْنَهُنَّ وَ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» و حوائج دنیا و آخرت را از خدا طلب کند.

مسئله ۹۹۹- مستحب است قنوت را کمی بلند تر بخواند ولی در نماز جماعت طوری نخواند که امام جماعت صدای او را بشنود.

مسئله ۱۰۰۰- هرگاه قنوت را عمداً ترک کند قضا ندارد و اگر فراموش کند اگر پیش از آن که به اندازه رکوع خم شود یادش بیاید مستحب است بایستد و بخواند و

اگر در رکوع یادش بیاید مستحب است بعد از رکوع قضا کند و اگر در سجده یادش بیاید بعد از سلام نماز قضا نماید.

ترجمه نماز

ترجمه سوره حمد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ: به نام خداوند بخشنده بخشایشگر الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ: ستایش مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است.

الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ: بخشنده و بخشایشگر است.

مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ: (خداوندی که) صاحب روز جزا است.

إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ: (پروردگارا) تنها تو را می پرستیم و تنها از تو یاری می جوییم.

إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ: ما را به راه راست هدایت فرما!

صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ: راه کسانی که آنان را مشمول نعمت خود ساختی،

غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَ لَا الضَّالِّينَ: نه راه کسانی که بر آنان غضب کردی و نه گمراهان!

ترجمه سوره قل هو الله

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ: به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ: بگو اوست خدای یکتا.

اللَّهُ الصَّمَدُ: خداوندی است که همه نیازمندان قصد او می کنند؛

لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ: (هرگز) نژاد و زاده نشد؛

وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ و برای او هیچ گاه شبیه و مانندی نبوده است.

ترجمه ذکر رکوع

سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ: پاک و منزّه است پروردگار بزرگ من و او را سپاس می گویم.

ترجمه ذکر سجود

سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَ بِحَمْدِهِ: پاک و منزّه است خداوند بلند مقام من و او را سپاس می گویم.

ترجمه تشهد

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ: گواهی می دهم هیچ کس شایسته پرستش جز خداوند نیست، یگانه است و شریک ندارد.

وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ: و گواهی می دهم محمد(صلی الله علیه وآله) بنده و فرستاده اوست.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ: خداوند! درود بفرست بر محمد(صلی الله علیه وآله) و اهل بیت او(علیهم السلام).

ترجمه سلام

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ: سلام بر توای پیغمبر و رحمت خدا و برکات او بر تو باد.

السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ: سلام بر ما و بر تمام بندگان صالح خدا.

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ: سلام بر شما ای جمعیت نمازگزاران و رحمت و برکات او بر شما باد.

ترجمه تسبیحات

سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ: پاک و منزّه است خداوند و حمد و ستایش مخصوص اوست و معبودی جز او نیست و خداوند بزرگتر از آن است

که به وصف آید.

ترجمه قنوت

رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ: خداوند! در دنیا و در سرای دیگر به ما نیکی مرحمت فرما و ما را از عذاب دوزخ نگاه دار!

تعقیبات نماز

مسئله ۱۰۰۱- مستحب است نماز گزار بعد از نماز مشغول ذکر و دعا و قرآن شود و این را تعقیب می نامند و بهتر است پیش از آن که از جای خود حرکت کند و وضوی او باطل شود رو به قبله بنشیند و تعقیب را بخواند. در کتابهای دعا تعقیب های زیادی از ائمه معصومین (علیهم السلام) نقل شده که یکی از مهمترین آنها تسبیح حضرت زهراء (علیها السلام) است، به این ترتیب که ۳۴ مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ»، سپس ۳۳ مرتبه «الْحَمْدُ لِلَّهِ» و بعد ۳۳ مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ» بگوید و فضیلت و ثواب بسیار دارد.

مسئله ۱۰۰۲- دیگر از مستحبات بعد از نماز سجده شکر است و آن این است که پیشانی را به قصد شکر بر زمین بگذارد و اگر شکر خداوند را به زبان نیز آورد بهتر است و به قصد رجاء یک مرتبه یا سه مرتبه، یا صد مرتبه «شُكْرًا لِلَّهِ» بگوید و مستحب است هر وقت نعمتی به انسان برسد یا بلایی از او دفع شود سجده شکر به جا آورد.

مسئله ۱۰۰۳- صلوات بر پیغمبر (صلی الله علیه وآله) و آل او (علیهم السلام) بعد از نماز، یا در حال نماز و همچنین در سایر حالات از مستحبات مؤکد است و نیز مستحب است هر موقع نام مبارک حضرت رسول (صلی الله علیه وآله) خواه محمّد باشد یا احمد و همچنین لقب و کنیه آن جناب را مانند مصطفی و ابوالقاسم بشنود صلوات بفرستد، حتی اگر در نماز باشد، همچنین اگر خودش این نامهای مقدّس را بر زبان جاری کند صلوات بفرستد.

مسئله ۱۰۰۴- هنگام نوشتن اسم مبارک حضرت رسول (صلی الله علیه وآله) نیز مستحب است صلوات را بنویسد، حتی بهتر است هر وقت یاد آن حضرت می کند هر چند بر زبان جاری نکند صلوات بفرستد و صلوات از اذکار بسیار با فضیلت و پر ثواب است.

مبطلات نماز

مسئله ۱۰۰۵- دوازده چیز نماز را باطل می کند که آنها را «مبطلات نماز» می گویند.

اول: از بین رفتن یکی از شروط نماز

یعنی: در بین نماز یکی از شرطهای آن از بین برود.

دوم: باطل شدن وضو

مسئله ۱۰۰۶- اگر در بین نماز چیزی که وضو را باطل می کند انجام دهد، خواه عمداً باشد یا سهواً، یا از روی ناچاری نماز او باطل است؛ ولی کسی که نمی تواند از بیرون آمدن بول و غائط جلوگیری کند باید مطابق دستوری که در احکام وضو گفته شد عمل نماید، همچنین خارج شدن خون از زن مستحاضه نماز را باطل نمی کند به شرط این که به دستورات استحاضه عمل کرده باشد.

مسئله ۱۰۰۷- کسی که بی اختیار خوابش برده (مثلاً در حال سجده خوابش برده) اما نمی داند در سجده نماز بوده یا بعد از آن، در سجده شکر، باید نماز را اعاده کند.

سوم: دست بسته نماز خواندن

مسئله ۱۰۰۸- اگر دست بسته نماز بخواند آن گونه که بعضی از فرق اسلامی انجام می دهند، حتی اگر به قصد ادب دستها را روی هم بگذارد، یا دست به سینه نماز بخواند، هر چند شبیه آنها نباشد احتیاط آن است که نماز را اعاده کند، اما اگر از روی فراموشی و ناچاری یا برای کار دیگری مثل خاراندن دست و مانند آن باشد اشکال ندارد.

چهارم: آمین گفتن

مسئله ۱۰۰۹- اگر بعد از خواندن حمد «آمین» بگوید، احتیاط واجب این است که نماز را تمام کند و اعاده نماید ولی اگر از روی اشتباه یا در حال تقیّه بگوید اشکال ندارد.

پنجم: پشت به قبله نماز خواندن

مسئله ۱۰۱۰- اگر پشت به قبله کند یا کاملاً به طرف راست یا چپ قبله برگردد، خواه از روی عمد باشد یا فراموشی، همچنین اگر عمداً بقدری منحرف شود که نگویند رو به قبله است نمازش باطل است.

مسئله ۱۰۱۱- هرگاه عمداً یا سهواً صورت را به تنهایی کاملاً به طرف راست یا چپ برگرداند بنا بر احتیاط واجب نمازش را اعاده کند، ولی اگر صورت را کمی برگرداند بطوری که از قبله خارج نشود نماز باطل نمی شود.

ششم: حرف زدن

مسئله ۱۰۱۲- اگر عمداً حرف بزند، حتی یک جمله، یا یک کلمه، حتی کلمه دو حرفی مانند «من» و «ما» نماز او باطل است بلکه بنا بر احتیاط اگر دو حرف معنی دار هم نباشد نماز باطل می شود (منظور از احتیاط در مبطلات نماز آن است که نماز را تمام کرده بعد اعاده کند).

مسئله ۱۰۱۳- سخن گفتن از روی سهو و فراموشی و نسیان نماز را باطل نمی کند.

مسئله ۱۰۱۴- هرگاه کلمه ای بگوید که یک حرف بیشتر ندارد چنانچه معنی داشته باشد (مانند «ق» در عربی یعنی نکه دار) و معنی آن را قصد کند نمازش باطل است و اگر قصد نکند اما متوجه معنی آن باشد احتیاط آن است که نماز را اعاده کند.

مسئله ۱۰۱۵- سرفه کردن، آه کشیدن، عطسه زدن، نماز را باطل نمی کند، هر چند عمدی باشد، ولی گفتن «آخ» و «آه» و مانند اینها که دو حرف دارد اگر عمدی باشد بنا بر احتیاط واجب نماز را باطل می کند.

مسئله ۱۰۱۶- ذکر خدا، قرائت قرآن دعا، در هر جای نماز جایز است اگر جمله ای را مانند «اللَّهُ أَكْبَرُ» به قصد ذکر خدا بگوید، اما در موقع گفتن، صدا را بلند کند که چیزی را به دیگری بفهماند اشکال ندارد، ولی دعا و ذکر به زبانهای غیر عربی اشکال دارد.

مسئله ۱۰۱۷- تکرار کردن آیات حمد و سوره یا ذکرهای رکوع و سجود و تسبیحات برای ثواب یا برای احتیاط مانعی ندارد، اما اگر به خاطر وسوسه باشد اشکال دارد.

مسئله ۱۰۱۸- نمازگزار نباید در حال نماز به دیگری سلام کند، ولی اگر دیگری به او سلام کند جواب او واجب است، اما جواب باید مانند سلام باشد، مثلاً اگر گفت: «السَّلَامُ عَلَیْكَ» در جواب بگوید «السَّلَامُ عَلَیْكَ» و اگر بگوید «سَلَامٌ عَلَیْكُمْ» در جواب بگوید «سَلَامٌ عَلَیْكُمْ»، حتی اگر بگوید «سلام» در جواب باید بگوید «سلام».

مسئله ۱۰۱۹- در غیر نماز هم جواب سلام واجب، اما سلام کردن مستحب است و باید جواب را طوری بگوید که جواب سلام محسوب شود، یعنی اگر زیاد فاصله بیندازد که جواب محسوب نشود کار حرامی کرده و جواب دادن واجب نیست.

مسئله ۱۰۲۰- اگر کسی در حال نماز جواب سلام را ندهد گناه کرده ولی نمازش صحیح است.

مسئله ۱۰۲۱- واجب است جواب سلام را طوری بگوید که سلام کننده بشنود، اما اگر سلام کننده کر باشد یا در محیطی است که سر و صدا زیاد است چنانچه بطور معمول جواب دهد کافی است و احتیاط آن است که با اشاره نیز به او بفهماند.

مسئله ۱۰۲۲- جواب سلام را باید به قصد جواب بگوید، نه به قصد قرائت بعضی از آیات قرآن و مانند آن.

مسئله ۱۰۲۳- هرگاه مرد یا زن نامحرم حتی بجه ای که خوب و بد را می فهمد به نمازگزار یا غیر نمازگزار سلام کند جواب او واجب است.

مسئله ۱۰۲۴- هرگاه سلام از روی مسخره یا شوخی باشد و یا طوری غلط بگوید که سلام حساب نشود جواب آنها لازم نیست و احتیاط واجب آن است که در جواب سلام غیر مسلمان فقط «سلام» بگوید، یا تنها «علیک».

مسئله ۱۰۲۵- اگر کسی وارد مجلس شود و به جمعیت سلام کند جواب او بر همه واجب است، ولی اگر یک نفر جواب دهد کافی است.

مسئله ۱۰۲۶- هرگاه به عذر ای سلام کند و در میان آنها بعضی مشغول نماز باشند اگر نمازگزار شک کند که سلام کننده قصد او را داشته یا نه، نباید جواب دهد و

نیز اگر بداند قصد او را هم داشته، ولی دیگری جواب سلام را بدهد، اما در این صورت اگر دیگران جواب نگویند او باید جواب دهد.

مسئله ۱۰۲۷- سلام کردن از مستحبات مؤکد است و در قرآن مجید و روایات اسلامی روی آن تأکید فراوان شده است و سزاوار است که سواره به پیاده و ایستاده به نشسته و کوچکتر به بزرگتر سلام کند.

مسئله ۱۰۲۸- اگر دو نفر همزمان به یکدیگر سلام کنند احتیاط واجب آن است که هر دو جواب دهند.

مسئله ۱۰۲۹- این که بعضی در جواب سلام می گویند: «سلام از من» کافی نیست، بلکه سلام دیگر از ناحیه شخص مقابل محسوب می شود و هر دو احتیاطاً باید بعد از آن جواب دهند.

مسئله ۱۰۳۰- مستحب است جواب سلام را بهتر از سلام بگویند (البته در نماز همان گونه که گفته شد باید مثل آن باشد) مثلاً اگر کسی در غیر نماز بگوید: «سَلَامٌ عَلَیْكُمْ» در جواب بگوید: «سَلَامٌ عَلَیْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ».

هفتم: خنده

مسئله ۱۰۳۱- خنده عمدی و با صدا نماز را باطل می کند و همچنین خنده ای که در آن بی اختیار باشد، اما تبسم و لبخند نماز را باطل نمی کند هر چند عمدی باشد و نیز خنده سهوی به گمان این که در حال نماز نیست موجب باطل شدن نماز نمی شود.

مسئله ۱۰۳۲- هرگاه برای جلوگیری از صدای خنده به خود فشار آورد بطوریکه حالش تغییر کند و رنگش سرخ شود و بدن تکان بخورد بطوری که هاز شکل نماز گزار بیرون رود نماز او باطل است و اگر به این حد نرسد اشکالیندارد.

هشتم: گریه کردن

مسئله ۱۰۳۳- گریه کردن با صدا نماز را باطل می کند هر چند بی اختیار شود، بلکه بنابر احتیاط واجب گریه بی صدا نیز نماز را باطل می کند اینهادر صورتی است که گریه از ترس خدا و برای آخرت نباشد، و الاً نه تنها نماز را باطل نمی کند، بلکه از بهترین اعمال و از کارهای اولیای خداست.

نهم: بهم خوردن صورت نماز

مسئله ۱۰۳۴- کارهایی که صورت نماز را به هم می زند مانند کف زدن و به هوا پریدن و مانند آن، خواه از روی عمد باشد یا از روی فراموشی باعث باطل شدن نماز است، اما کارهایی که صورت نماز را به هم نمی زند اشکالی ندارد مانند اشاره کردن به دست.

مسئله ۱۰۳۵- هرگاه در اثناء نماز آنقدر سکوت کند که از صورت نماز گزار خارج شود نمازش باطل است، اما اگر مقداری سکوت کند و شک کند که آیا این مقدار

سکوت، نماز را به هم زده یا نه، نمازش صحیح است، همچنین اگر کاری انجام داده که شک دارد صورت نماز را به هم می زند یا نه.

دهم: خوردن و آشامیدن

مسئله ۱۰۳۶- خوردن و آشامیدن به گونه ای که صورت نماز را به هم زند موجب باطل شدن نماز است، ولی اگر ذراتی از غذا و مانند آن در دهان باشد و موقع نماز فرو برد نماز را باطل نمی کند.

یازدهم: شک

مسئله ۱۰۳۷- از مبطلات نماز شک در رکتهای نماز دو رکعتی، یا سه رکعتی، همچنین شک در رکعت اول و دوم نماز چهار رکعتی است.

دوازدهم: کم یا زیاد کردن ارکان

مسئله ۱۰۳۸- اگر رکنی از ارکان نماز را کم یا زیاد کند عمداً باشد یا سهواً، مانند کم و زیاد کردن رکوع، یا دو سجده باهم موجب باطل شدن نماز است، اما کم و زیاد کردن چیزی که رکن نیست اگر عمدی نباشد اشکالی ندارد و اگر از روی عمد باشد نماز را باطل می کند، مانند کم و زیاد کردن یک سجده.

مسئله ۱۰۳۹- هرگاه بعد از نماز شک کند که چیزی از مبطلات را در نماز انجام داده یا نه اعتنا نکند و نمازش صحیح است.

اموری که در نماز مکروه است

مسئله ۱۰۴۰- هرکاری که خضوع و خشوع نمازگزار را از بین ببرد مکروه است، از جمله نگاه کردن به چپ و راست (البته اگر صورت را زیاد برگرداند نماز اشکال دارد) و بازی کردن با ریش و با دست خود و داخل کردن انگشتهای در یکدیگر و انداختن آب دهان و نگاه کردن به خط انگشتر و نیز مکروه است هنگامی که مشغول حمد و سوره و ذکر نماز است برای شنیدن حرف کسی ساکت شود، همچنین مکروه است که انسان در موقع خواب آلودگی یا وقتی که نیاز به دفع بول و غائط دارد، یا لباس تنگ در تن کرده نماز بخواند.

مواردی که شکستن نماز جایز است

مسئله ۱۰۴۱- شکستن نماز واجب عمداً بنا بر احتیاط جایز نیست، ولی برای جلوگیری کردن از ضرر قابل توجه مالی یا بدنی مانعی ندارد، مثلاً اگر جان نمازگزار یا کسی که حفظ جان او واجب است به خطر بیفتد و بدون شکستن نماز رفع خطر ممکن نباشد باید نماز را شکست، همچنین برای حفظ مالی که نگهداری آن لازم است، اما برای مالی که اهمیّت چندانی ندارد، مکروه است.

مسئله ۱۰۴۲- هرگاه مشغول نماز باشد و طلبکاری طلب خود را مطالبه کند، چنانچه بتواند در بین نماز طلب او را بدهد و صورت نماز به هم نخورد بهتر است در

همان حال بپردازد، ولی اگر بدون شکستن نماز ممکن نیست صبر کند تا نماز تمام شود و این مقدار تأخیر منافات با فوریت ادای دین ندارد مگر این که ضرورت خاصی داشته باشد، مثل این که همراهان و همسفران طلبکار می روند و او به زحمت می افتد.

مسئله ۱۰۴۳- هرگاه در اثناء نماز بفهمد مسجد نجس شده و تطهیر مسجد نماز را به هم نزنند آن را تطهیر کند، در غیر این صورت بعد از نماز اقدام به تطهیر مسجد نماید و احتیاط آن است که نماز خود را طولانی نکند.

مسئله ۱۰۴۴- در مواردی که شکستن نماز واجب است چنانچه ادامه دهد معصیت کرده و نماز او نیز اشکال دارد.

مسئله ۱۰۴۵- اگر پیش از رکوع متوجه شود اذان و اقامه را فراموش کرده چنانچه وقت وسعت داشته باشد بهتر است نماز را بشکند و اذان و اقامه را بگوید و دوباره شروع کند.

شکایات نماز

مسئله ۱۰۴۶- شکایات نماز ۲۳ قسم است:

۱- شکهایی که نماز را باطل می کند و آن ۸ قسم است.

۲- شکهایی که نباید به آن اعتنا کرد و آن ۶ قسم است.

۳- شکهای صحیح و آن ۹ قسم است که شرح همه آنها در مسائل آینده به خواست خدا می آید.

۱- شکهای باطل

مسئله ۱۰۴۷- شکهای هشتگانه ای که نماز را باطل می کند به شرح زیر است:

۱- شک در رکعتهای نماز دو رکعتی مانند نماز صبح و نماز مسافر، ولی شک در نمازهای مستحب دو رکعتی نماز را باطل نمی کند.

۲- شک در رکعتهای نماز سه رکعتی (مغرب).

۳- شک در نماز چهار رکعتی هرگاه یک طرف شک، یک باشد، مثل این که شک کند یک رکعت خوانده یا سه رکعت.

۴- شک در نمازهای چهار رکعتی پیش از تمام شدن سجده دوم در حالی که یک طرف شک دو باشد (مانند شک دو و سه قبل از اتمام دو سجده).

۵- شک بین دو و پنج یا بیشتر از پنج.

۶- شک بین سه و شش یا بیشتر (البته این شکها کمتر اتفاق می افتد ولی در عین حال باید حکم آن روشن شود).

۷- شک بین چهار و شش یا بیشتر، ولی در اینجا احتیاط واجب آن است که مانند شک چهار و پنج عمل کند، یعنی بنا را بر چهار بگذارد و نماز را تمام کند و بعد از نماز دو سجده سهو به جا آورد و سپس نماز را دوباره بخواند.

۸- شک در عدد رکتهای نماز که اصلاً نداند چند رکعت خوانده است.

مسئله ۱۰۴۸- اگر یکی از شکهای باطل در اثناء نماز برای انسان پیش آید نمی تواند نماز را بشکند، بلکه باید اول مقداری فکر کند اگر شک پابرجا شود، نماز را رها کند.

۲- شکهایی که اعتبار ندارد

مسئله ۱۰۴۹- شکهایی که نباید به آنها اعتنا کرد به شرح زیر است:

۱- شک بعد از محل

۲- شک بعد از سلام

۳- شک بعد از گذشتن وقت نماز

۴- شک کثیرالشک یعنی کسی که زیاد شک می کند.

۵- شک امام و ماموم

۶- شک در نمازهای مستحبی و شرح هر یک از اینها در مسائل آینده می آید.

اول: شک بعد از محل

مسئله ۱۰۵۰- هرگاه در اثناء نماز بعد از گذشتن محل چیزی، شک کند آن را به جا آورده یا نه مثل این که بعد از داخل شدن در رکوع، شک در حمد و سوره کند و یا بعد از ورود در سجده شک در رکوع کند، در هیچ یک از این موارد نباید به شک خود اعتنا کند، خواه جزء بعدی رکن باشد یا غیر رکن.

مسئله ۱۰۵۱- هرگاه در آیات حمد یا سوره شک کند، مثلاً موقعی که وارد آیه دوم شده شک کند آیه اول را خوانده یا نه یا وارد کلمه ای از یک آیه شده، شک

کند کلمه قبل را خوانده باید بنا بر احتیاط برگردد و آن را به قصد قربت به جا آورد و بعد دنبال آن را ادامه دهد.

مسئله ۱۰۵۲- هرگاه بعد از رکوع یا سجود بداند ذکر واجب را گفته اما نمی داند با شرایط و بطور صحیح انجام داده یا نه، به شک خود اعتنا نکند.

مسئله ۱۰۵۳- اگر در حال برخاستن شک کند تشهد را به جا آورده یا نه یا در حالی که به سجده می رود شک کند رکوع را به جا آورده یا نه احتیاط واجب آن است که برگردد و به جا آورد.

مسئله ۱۰۵۴- کسی که نشسته یا خوابیده نماز می خواند هرگاه موقعی که حمد و تسبیحات می خواند شک کند سجده یا تشهد را به جا آورده یا نه، باید اعتنا نکند، اما اگر پیش از آن که مشغول حمد و تسبیحات شود شک کند باید به جا آورد.

مسئله ۱۰۵۵- هرگاه قبل از گذشتن محل، شک کند و برگردد و به جا آورد، بعد معلوم شود آن جزء را انجام داده بود و بار دوم اضافه بوده، اگر رکن باشد نمازش باطل می شود و اگر رکن نباشد صحیح است.

مسئله ۱۰۵۶- هرگاه بعد از گذشتن محل، شک کند و طبق دستور، اعتنا نکرده و بگذرد، بعد متوجه شود که آن عمل مشکوک را انجام نداده، هرگاه وارد رکن بعد نشده باید برگردد و به جا آورد و اگر وارد رکن بعد شده نمازش صحیح است، مگر آن که آن جزء مشکوکی که ترک شده رکن باشد.

مسئله ۱۰۵۷- هرگاه شک کند که «سلام» نماز را گفته یا نه یا شک کند درست گفته یا نه چنانچه وارد نماز دیگری شده، یا مشغول کاری است که نماز را به هم می زند، و از حال نمازگزار بیرون رفته باید به شک خود اعتنا نکند و اگر پیش از اینهاست باید برگردد و سلام را بگوید.

دوم: شک بعد از سلام

مسئله ۱۰۵۸- هرگاه بعد از سلام نماز شک کند که نمازش صحیح بود یا نه خواه شک مربوط به عدد رکعتهای نماز باشد یا شرایط نماز، مانند قبله و طهارت و یا اجزای نماز مانند رکوع و سجود، به شک خود اعتنا نمی کند.

سوم: شک بعد از وقت

مسئله ۱۰۵۹- هرگاه بعد از گذشتن وقت نماز شک کند که نماز را خوانده یا نه یا حتی گمان کند نخوانده است، به شک اعتنا نکند، ولی هرگاه پیش از گذشتن وقت نماز شک کند، باید نماز را به جا آورد، حتی اگر گمان دارد نماز را خوانده کافی نیست.

مسئله ۱۰۶۰- هرگاه بعد از گذشتن وقت نماز ظهر و عصر بداند فقط چهار رکعت نماز خوانده، ولی نداند به نیت ظهر بوده یا عصر باید چهار رکعت نماز قضا به نیت ما فی الذمه (یعنی نمازی که بر او واجب است) خواه ظهر یا عصر به جا آورد، اما اگر بعد از گذشتن وقت نماز مغرب و عشا بداند یکی از آن دو نماز را به جا آورده

ولی نداند مغرب بوده یا عشا باید هم نماز مغرب را قضا کند و هم عشا را.

چهارم: شک کثیرالشک

مسئله ۱۰۶۱- «کثیرالشک» یعنی کسی که زیاد شک می کند نباید به شک خود اعتنا کند، خواه در عدد رکعات نماز باشد، یا در اجزای نماز، یا شرایط نماز.

مسئله ۱۰۶۲- کثیرالشک کسی است که بگویند زیاد شک می کند و اگر کسی در یک نماز سه مرتبه شک کند یا در سه نماز پشت سرهم شک کند کثیرالشک است.

مسئله ۱۰۶۳- هرگاه به خاطر یک حالت فوق العاده مانند بیماری، غضب یا مصیبت موقتاً گرفتار حالت کثرت شک شود باید به شک خود اعتنا کرده و مطابق احکام آن رفتار کند.

مسئله ۱۰۶۴- منظور از اعتنا نکردن به شک این است که آن طرف را که به نفع اوست بگیرد، مثلاً اگر شک کند سجده یا رکوع را به جا آورده، بنا بگذارد که به جا آورده است، هر چند از محل آن نگذشته است، یا اگر شک کند نماز صبح را دو رکعت خوانده یا سه رکعت، بنا بگذارد که دو رکعت خوانده است.

مسئله ۱۰۶۵- کسی که فقط در یک مورد نماز زیاد شک می کند (مثلاً در حمد و سوره) چنانچه در چیزهای دیگر شک کند باید به دستور شک عمل نماید، تنها در موردی که زیاد شک می کند اعتنا نخواهد کرد، همچنین اگر کسی در نماز معینی مانند نماز صبح زیاد شک می کند، فقط در آن باید اعتنا نکند و نیز اگر کسی در مکان مخصوصی (مثلاً وقتی در میان جمع نماز می خواند) زیاد شک می کند فقط در همان جا اعتنا به شک خود نمی کند.

مسئله ۱۰۶۶- هرگاه انسان شک کند کثیرالشک شده یا نه بنا می گذارد بر این که کثیرالشک نشده و بعکس اگر کثیرالشک بوده، تا یقین نکند به حال معمولی برگشته، باید به شک خود اعتنا نکند.

مسئله ۱۰۶۷- کسی که زیاد شک می کند اگر شک کند رکنی را به جا آورده یا نه (مانند رکوع) و به آن اعتنا نکند بعد یادش بیاید که آن را به جا نیاورده است، چنانچه وارد رکن بعد نشده باید آن را به جا آورد و اگر مشغول رکن بعد شده نمازش باطل است، ولی اگر غیر رکن باشد و بعد یادش بیاید که به جا نیاورده، چنانچه وارد رکن بعد نشده به جا می آورد و اگر وارد رکن بعد شده بر نمی گردد و نمازش صحیح است.

مسئله ۱۰۶۸- اشخاص و سواسی باید به یقین و شک خود عمل نکنند بلکه مطابق اشخاص معمولی عمل کنند خواه یقین برای آنها حاصل شود یا نه، و الا در بسیاری از موارد نمازشان باطل خواهد بود.

پنجم: شک امام و مأوم

مسئله ۱۰۶۹- اگر امام جماعت در عدد رکعتهای نماز شک کند، مثلاً نداند سه رکعت خوانده یا چهار رکعت هرگاه مأوم بداند چهار رکعت خوانده با علامتی به امام

می فهماند و امام باید مطابق آن عمل کند و بعکس اگر امام می داند چند رکعت خوانده، ولی مأموم شک می کند، باید از امام پیروی کند و به شک خود اعتنا نکند.

مسئله ۱۰۷۰- برای آگاه کردن امام ممکن است به عدد رکعات نماز دست بر زانو بزنند، یا «الله اکبر» بگویند و یا به هر ترتیب دیگر که سخن گفتن و کاری بر خلاف نماز انجام دادن در آن نباشد، ولی نباید قبل از امام برخیزد و نماز خود را ادامه دهد.

ششم: شک در نماز مستحبی

مسئله ۱۰۷۱- هرگاه در عدد رکعتهای نماز مستحبی شک کند مخیر است بنا را بر کمتر بگذارد یا بیشتر، مگر این که طرف بیشتر، نماز را باطل کند که در این صورت بنا را بر کمتر می گذارد، مثلاً اگر شک میان یک و دو کند مخیر است بنا را بر یک یا دو بگذارد، اما اگر شک در میان دو و سه کند حتماً بنا را بر دو، می گذارد.

مسئله ۱۰۷۲- کم و زیاد شدن رکن در نافله نیز اشکال دارد.

مسئله ۱۰۷۳- شک در افعال نماز مستحب با نماز واجب فرق ندارد، مثلاً اگر شک در حمد یا رکوع کند چنانچه محل آن نگذشته است باید به جا آورد و اگر محل آن گذشته است اعتنا نکند.

مسئله ۱۰۷۴- در نمازهای مستحبی بنا بر احتیاط واجب باید به ظن و گمان خود عمل کند، تا آنجا که نماز را باطل نمی کند، مثلاً اگر گمانش به دو رکعت می رود بنا بر آن بگذارد و اگر گمانش به سه رکعت می رود باید بنا بر همان دو بگذارد.

مسئله ۱۰۷۵- نمازهای مستحب سجده سهو ندارد، یعنی اگر کاری کند که در نمازهای واجب سجده سهو دارد، در نمازهای مستحب سجده سهو لازم نیست، همچنین سجده و تشهد فراموش شده در نمازهای مستحب قضا ندارد.

مسئله ۱۰۷۶- هرگاه بعد از گذشتن وقت نماز نافله شک کند آن را به جا آورده یا نه، اعتنا نکند و اگر وقت باقی است به جا آورد.

۳- شکهای صحیح

مسئله ۱۰۷۷- چنانچه گفته شد شک در عدد رکعتهای نمازهای چهار رکعتی در نه صورت صحیح است:

اول شک میان «دو و سه» بعد از سر برداشتن از سجده دوم: باید بنا بگذارد که سه رکعت خوانده و یک رکعت دیگر بخواند و نماز را تمام کند و بعد از نماز، یک رکعت نماز احتیاط ایستاده به دستوری که بعداً گفته می شود به جا آورد و اگر در سجده دوم بعد از ذکر واجب شک کند بنا بر احتیاط واجب همین دستور را عمل

کند، بعداً نماز را هم اعاده نماید (این حکم در تمام مواردی که شک باید بعد از تمام کردن سجده دوم باشد جاری است).

دوم شک میان «سه و چهار»: که در هر جای نماز باشد بنابر چهار می گذارد و نماز را تمام کرده و بعداً آن یک رکعت نماز احتیاط ایستاده، یا دو رکعت نشسته، به جا می آورد.

سوم شک میان «دو و چهار» بعد از سر برداشتن از سجده دوم: که باید بنا را بر چهار بگذارد و نماز را تمام کند و بعد دو رکعت نماز احتیاط ایستاده بخواند.

چهارم شک میان «دو و سه و چهار» بعد از سر برداشتن از سجده دوم: باید بنا را بر چهار بگذارد و بعد از نماز، دو رکعت نماز احتیاط ایستاده، سپس دو رکعت نشسته به جا آورد.

پنجم شک میان «چهار و پنج» بعد از سر برداشتن از سجده دوم: بنا را بر چهار می گذارد و نماز را تمام می کند و بعد از آن دو سجده سهو به جا می آورد.

ششم شک میان «چهار و پنج» در حال ایستاده: باید بنشیند تا شک او تبدیل به سه و چهار شود و بنا را بر چهار می گذارد و نماز را تمام می کند بعد یک رکعت نماز احتیاط ایستاده، یا دو رکعت نشسته به جا می آورد و احتیاط واجب آن است که نماز را نیز اعاده کند.

هفتم شک بین «سه و پنج» در حال ایستاده: باید بنشیند و شک او به دو و چهار برمی گردد، بنا را بر چهار می گذارد و نماز را تمام می کند، سپس دو رکعت نماز احتیاط ایستاده به جا می آورد و بنابر احتیاط واجب اصل نماز را نیز اعاده می کند.

هشتم شک بین «سه و چهار و پنج» در حال ایستاده: باید بنشیند و شک او به دو و سه و چهار برمی گردد، بنا را بر چهار می گذارد و نماز را تکمیل کرده، سپس دو رکعت نماز احتیاط ایستاده و بعد دو رکعت نشسته به جا می آورد و احتیاطاً اصل نماز را اعاده می کند.

نهم شک میان «پنج و شش» در حال ایستاده: باید بنشیند و شک او به چهار و پنج بر می گردد، نماز را تمام کرده و دو سجده سهو به جا می آورد و بنابر احتیاط اصل نماز را اعاده می کند.

مسائل متفرقه شکیات

مسئله ۱۰۷۸- هرگاه یکی از شکهای صحیح برای انسان پیش آید نمی تواند نماز را بشکند، بلکه باید به دستورهای بالا عمل کند و در مورد تمام شکها باید قبلاً کمی فکر کند اگر یقین به هیچ طرف حاصل نشد و یا گمان در مواردی که معتبر است بر هیچ طرف قرار نگرفت، چنانچه از شکهای باطل باشد نماز را رها می کند و اگر از شکهای صحیح باشد به دستور آن عمل می نماید.

مسئله ۱۰۷۹- ظن و گمان در رکعات نماز در حکم یقین است، یعنی باید بنابر گمان بگذارد و نماز را ادامه دهد، ولی اگر در رکعت اول و دوم باشد احتیاط واجب

این است که نماز را بعداً نیز اعاده کند.

مسئله ۱۰۸۰- هرگاه در ابتدا گمانش به یک طرف قرار گرفت و بعد هر دو مساوی شد و حالت شک پیدا کرد، باید به دستور شک عمل کند و بعکس اگر نخست حالت شک داشت و بعد گمانش بیشتر به یک طرف شد، باید مطابق گمان عمل کند، ولی اگر شک از شکهایی است که نماز را باطل می کند و پا برجا شد باید نماز را از سر گیرد و مبطل شدن آن به ظن اثری ندارد.

مسئله ۱۰۸۱- کسی که نمی داند حالتی که برای او پیدا شده است شک است یا ظن باید به احکام شک عمل کند.

مسئله ۱۰۸۲- هرگاه مشغول تشهد است، یا وارد رکعت بعد شده و شک کند آیا دو سجده را به جا آورده یا نه و در همان موقع یکی از شکهایی که اگر بعد از تمام شدن دو سجده اتفاق بیفتد صحیح است برای او پیش آید (مثلاً شک میان دو و سه) باید بنا بگذارد که سجده ها را به جا آورده و به دستور شک عمل کند و نمازش صحیح است، ولی اگر قبل از گذشتن از محلّ سجده شک کند نمازش باطل است.

مسئله ۱۰۸۳- هرگاه شک او از بین برود و شک دیگری به جای آن پیدا شود، باید به شک دوم عمل کند، مثلاً اگر شک در میان دو و سه بود، بعد یقین کرد سه رکعت را خوانده و شک میان سه و چهار کرد، باید به دستور شک سه و چهار عمل کند.

مسئله ۱۰۸۴- هرگاه می داند در وسط نماز شک کرده، اما نمی داند مثلاً شک دو و سه بوده، یا دو و چهار، احتیاط واجب آن است که به دستور هر دو عمل کند و نماز را نیز اعاده نماید.

مسئله ۱۰۸۵- کسی که نشسته نماز می خواند اگر شکی کند که باید برای آن یک رکعت نماز احتیاط ایستاده، یا دو رکعت نشسته بخواند، باید یک رکعت نماز نشسته به جا آورد و اگر شکی کند که باید برای آن دو رکعت نماز احتیاط ایستاده بخواند باید دو رکعت نشسته به جا آورد، همچنین در سایر شکها.

مسئله ۱۰۸۶- کسی که نماز ایستاده می خواند اگر موقع خواندن نماز احتیاط از ایستادن عاجز شود، باید مثل کسی که نماز را نشسته می خواند و حکم آن در مسئله قبل گذشت نماز احتیاط را به جا آورد و بعکس کسی که نماز نشسته می خواند اگر موقع خواندن نماز احتیاط بتواند بایستد باید به وظیفه کسی که نماز را ایستاده می خواند عمل کند.

طریقه نماز احتیاط

مسئله ۱۰۸۷- نماز احتیاط که برای شک در رکعتهای نماز به جا آورده می شود به این ترتیب است که بعد از سلام نماز باید فوراً نیت نماز احتیاط کند و الله اکبر بگوید و حمد را بخواند (و سوره را ترک کند) بعد به رکوع رود و مانند نمازهای معمولی سجده نماید، اگر نماز احتیاط او یک رکعت است بعد از دو سجده تشهد بخواند و سلام دهد و اگر دو رکعت است بعد از دو سجده یک رکعت دیگر را مثل رکعت اول به جا آورد و بعد از تشهد سلام دهد.

مسئله ۱۰۸۸- نماز احتیاط اذان و اقامه و سوره و قنوت ندارد و حمد را باید آهسته بخواند، حتی احتیاط واجب آن است که «بسم الله» را نیز آهسته بگوید و در میان اصل نماز و نماز احتیاط کاری که نماز را باطل می کند انجام ندهد.

مسئله ۱۰۸۹- هرگاه قبل از خواندن نماز احتیاط متوجه شود نمازی را که خوانده است درست بوده، نماز احتیاط لازم نیست و اگر در وسط نماز احتیاط بفهمد می تواند آن را رها کند.

مسئله ۱۰۹۰- هرگاه پیش از خواندن نماز احتیاط متوجه شود که رکتهای نمازش کم بوده، مثلاً به جای چهار رکعت سه رکعت خوانده، چنانچه کاری که نماز را باطل کند انجام نداده باید آن مقدار را که کم خوانده است انجام دهد و برای سلام بی جا احتیاطاً دو سجده سهو به جا می آورد و اگر کاری که نماز را باطل می کند انجام داده باید نماز را اعاده کند.

مسئله ۱۰۹۱- هرگاه بعد از نماز احتیاط بفهمد کسری نمازش درست به اندازه نماز احتیاط بوده (مثلاً در شک میان سه و چهار یک رکعت نماز احتیاط بخواند و بعد بفهمد نماز راسه رکعت خوانده) نمازش صحیح است و اگر بفهمد کسری نماز کمتر از نماز احتیاط بوده بنا بر احتیاط واجب باید کسری نماز را بلافاصله به جا آورد و اصل نماز را هم اعاده کند و اگر بفهمد کسری نماز بیشتر از نماز احتیاط بوده، چنانچه بعد از نماز احتیاط کاری که نماز را باطل کند انجام نداده، احتیاط واجب این است کسری نماز را به جا آورد و اصل نماز را هم اعاده کند.

مسئله ۱۰۹۲- اگر کسی شک کند نماز احتیاطی که بر او واجب بوده به جا آورده است یا نه، چنانچه بعد از وقت نماز باشد به شک خود اعتنا نکند و اگر هنوز وقت نماز باقی است در صورتی که مشغول کار دیگری نشده باید نماز احتیاط را بخواند و اگر کاری که نماز را باطل می کند به جا آورده است احتیاط واجب آن است که نماز احتیاط را بخواند و نماز را هم اعاده کند.

مسئله ۱۰۹۳- دستور نماز احتیاط از نظر کم و زیاد کردن رکن و اجزای غیر رکن و شک در به جا آوردن اجزا مانند سایر نمازهای واجب است.

مسئله ۱۰۹۴- اگر در عدد رکتهای نماز احتیاط نیز شک کند باید بنا بر بیشتر بگذارد، اما اگر طرف بیشتر نماز را باطل می کند، بنا بر کمتر می گذارد و نمازش صحیح است.

مسئله ۱۰۹۵- برای کم و زیاد کردن اجزاء نماز احتیاط از روی سهو، سجده سهو واجب نیست.

مسئله ۱۰۹۶- اگر در نماز احتیاط تشهّد یا سجده را فراموش کند احتیاط واجب آن است که بعد از سلام، قضای آن را به جا آورد.

مسئله ۱۰۹۷- هرگاه قضای سجده یا قضای تشهّد یا سجده سهو بر او واجب شده و در عین حال نماز احتیاط نیز بر او واجب است باید اول نماز احتیاط را به جا آورد، بعد قضای سجده یا تشهّد را و بعد سجده سهو را.

مسئله ۱۰۹۸- احکامی که درباره شک و سهو و ظن در نمازهای واجب روزانه گفته شد، در سایر نمازهای واجب نیز عیناً وجود دارد، مثلاً اگر در نماز آیات شک کند

که یک رکعت خوانده یا دورکعت چون شک او در نماز دو رکعتی است نماز باطل می شود، همچنین سایر احکام شک و سهو و ظن.

مواردی که سجده سهو واجب است

مسئله ۱۰۹۹- برای چند چیز بنا بر احتیاط واجب باید بعد از نماز دو سجده سهو به دستوری که گفته می شود به جا آورد:

۱- کلام بی جا، یعنی سهواً به گمان این که نماز تمام شده حرف بزند.

۲- سلام بی جا، یعنی مثلاً در رکعت دوم نماز چهار رکعتی سلام بدهد.

۳- سجده فراموش شده.

۴- تشهّد فراموش شده.

۵- به جای ایستادن سهواً بنشیند، یا به جای نشستن برخیزد.

۶- در شک میان چهار و پنج بعد از سجده دوم واجب است نماز را تمام کند، بعداً دو سجده سهو بجا آورد و برای کم و زیاد کردن غیر اینها سجده سهو مستحب است.

احکام سجده سهو

مسئله ۱۱۰۰- اگر چیزی را غلط خوانده و دوباره بطور صحیح بخواند سجده سهو ندارد.

مسئله ۱۱۰۱- اگر در نماز چند کلمه یا چند جمله بگوید بطوری که از صورت نماز گزار خارج نشود و همه آن یکی حساب شود، دو سجده سهو برای همه کافی است.

مسئله ۱۱۰۲- هرگاه اشتهاً «السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ» را بگوید سجده سهو واجب نیست، بلکه مستحب است، ولی اگر مقداری از دو سلام دیگر را بگوید احتیاط واجب انجام سجده سهو است و هرگاه هر سه سلام رادر جایی که نباید سلام دهد از روی اشتباه بگوید دو سجده سهو برای همه کفایت می کند.

مسئله ۱۱۰۳- اگر سجده سهو واجب را بعد از سلام نماز عمداً به جا نیاورده معصیت کرده و باید هرچه زودتر به جا آورد، ولی نمازش باطل نیست.

مسئله ۱۱۰۴- اگر شک دارد کاری که موجب سجده سهو می شود انجام داده یا نه، چیزی بر او نیست و اگر شک کند دو سجده سهو بر او واجب شده یا چهار سجده سهو، همان دو سجده کافی است.

دستور سجده سهو

مسئله ۱۱۰۵- سجده سهو به ترتیب زیر است بعد از نماز بلافاصله نیت سجده سهو می کند و بعد به سجده می رود و می گوید: «بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ أَسْلَامٌ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ» سپس سر از سجده بر می دارد و می نشیند، دوباره به سجده می رود و همان ذکر را می گوید و بعد از آن که سر از سجده برداشت تشهد می خواند و سلام می دهد و احتیاط آن است که در تشهد به مقدار واجب اکتفا کند و تنها به سلام آخر قناعت نماید.

مسئله ۱۱۰۶- سجده سهو باید رو به قبله و با حالت وضو و طهارت باشد و پیشانی را نیز بر چیزی گذارد که سجده نماز بر آن جایز است.

قضای سجده و تشهد فراموش شده

مسئله ۱۱۰۷- هرگاه کسی یک یا چند سجده نماز را فراموش کرد باید قضای آن را بعد از نماز به جا آورد (البته اگر دو سجده از یک رکعت فراموش شود نماز باطل است) همچنین اگر تشهد را فراموش نماید باید بلافاصله بعد از نماز آن را قضا کند و علاوه بر قضای سجده و تشهد باید برای هر کدام بنا بر احتیاط واجب دو سجده سهو به جا آورد (ولی چنان که قبلاً نیز گفته شد تشهد سجده سهو، کفایت از تشهد فراموش شده می کند).

مسئله ۱۱۰۸- در قضای سجده و تشهد فراموش شده تمام شرایط نماز مانند طهارت و قبله و شرطهای دیگر لازم است و باید بلافاصله بعد از نماز انجام دهد.

مسئله ۱۱۰۹- اگر یک سجده و تشهد را فراموش کند احتیاط واجب آن است که هر کدام را اول فراموش کرده اول قضا کند و اگر نداند کدام یک را اول فراموش کرده احتیاطاً یک سجده و بعد یک تشهد و بار دیگر یک سجده به جا می آورد، تا یقین کند سجده و تشهد رابه ترتیبی که فراموش کرده قضا کرده است.

مسئله ۱۱۱۰- هرگاه بعد از نماز کاری کند که صورت نماز را به هم می زند یا نماز را باطل می کند (مثل این که پشت به قبله کند) باید قضای سجده و تشهد را به جا آورد و نماز را بنا بر احتیاط واجب اعاده کند و اگر کاری کند که سجده سهو می آورد، بعد از قضای سجده یا تشهد احتیاط آن است که سجده سهو به جا آورد.

مسئله ۱۱۱۱- اگر شک دارد که سجده یا تشهد را فراموش کرده یا نه واجب نیست قضا کند و اگر می داند یکی را فراموش کرده، اما نمی داند کدام یک بوده، هر دو را قضا کند و هر کدام را اول به جا آورد مانعی ندارد.

مسئله ۱۱۱۲- هرگاه علاوه بر قضای سجده یا تشهد، سجده سهو نیز بر ذمه او باشد، باید بعد از نماز اول سجده یا تشهد را قضا کند و بعد سجده سهو را به جا آورد.

مسئله ۱۱۱۳- هرگاه شک کند که آیا قضای سجده یا تشهد فراموش شده که بر عهده او بود بعد از نماز به جا آورده یا نه، چنانچه وقت نماز نگذشته سجده یا تشهد را قضا نماید و اگر گذشته نیز بنا بر احتیاط واجب باید قضای آن را به جا آورد و نماز او صحیح است.

مسأله ۱۱۱۴- برای قضای سجده یا تشهد، بعد از نماز نیت می کند، سپس همان سجده یا تشهد را بدون الله اکبر و چیز اضافی دیگر قضا می کند و بعد بنابر احتیاط سجده سهو به جا می آورد.

خلل در اجزاء و شرایط نماز

مسأله ۱۱۱۵- اگر چیزی از واجبات نماز را عمداً کم و زیاد کند نماز او باطل است، اما اگر به واسطه ندانستن مسأله باشد اگر آن جزء از ارکان نماز است، نماز باطل می شود و اگر غیر ارکان است، نمازش صحیح است به شرط این که جاهل قاصر باشد، یعنی دسترسی برای یادگرفتن مسأله نداشته باشد.

مسأله ۱۱۱۶- هرگاه سهواً چیزی از اجزای نماز را کم و زیاد کند اگر از ارکان نماز باشد نماز باطل است و اگر از غیر ارکان باشد نماز صحیح است و در صورتیکه شرایطی مثل وضو یا غسل انجام نشده باشد نماز باطل است، خواه عمداً باشد یا سهواً.

مسأله ۱۱۱۷- اگر پیش از سلام نماز یادش بیاید که یک رکعت یا بیشتر از آخر نماز را نخوانده، باید آن را به جا آورد و نمازش صحیح است، ولی اگر بعد از سلام متوجه شود چنانچه کاری که نماز را عمداً و سهواً باطل می کند (مانند پشت به قبله کردن) انجام داده نماز باطل است و اگر انجام نداده باید بلافاصله رکعت های فراموش شده را به جا آورد و نمازش صحیح است و احتیاط واجب آن است که سجده سهو برای سلام بی جا انجام دهد.

مسأله ۱۱۱۸- هرگاه بفهمد نماز را پیش از وقت خوانده، یا پشت به قبله به جا آورده، باید آن را اعاده کند و اگر وقت گذشته قضا نماید، اما اگر سهواً نماز را به طرف راست یا چپ خوانده نماز باطل نیست.

نماز قضا

مسأله ۱۱۹۳- هرکس نماز واجب را در وقت آن ترک کند باید قضای آن را به جا آورد، هر چند در تمام وقت نماز خواب بوده، یا به واسطه بیماری، یا مستی، نماز را نخوانده باشد، اما کسی که در تمام وقت بی هوش بوده، قضا بر او واجب نیست، همچنین کافری که مسلمان شده و زنی که در حال حیض یا نفاس بوده.

مسأله ۱۱۹۴- هرگاه بعد از وقت نماز بفهمد نمازی را که خوانده باطل بوده باید آن را قضا کند.

مسأله ۱۱۹۵- کسی که نماز قضا برعهده دارد باید در خواندن آن کوتاهی نکند، ولی واجب نیست آن را فوراً به جا آورد، مگر آنکه یک یا دو نماز قبل از آن قضا شده باشد که احتیاط واجب این است که پیش از نماز همان روز آن را قضا کند.

مسأله ۱۱۹۶- کسی که نماز قضا بر ذمه دارد می تواند نماز مستحبی بخواند و خواندن نماز قضا قبل از نماز یومیّه یا بعد از آن مانعی ندارد.

مسأله ۱۱۹۷- اگر کسی گمان دارد بعضی از نمازهای گذشته او صحیح نبوده، یا فراموش کرده است، احتیاط مستحب آن است که قضای آن را به جا آورد.

مسأله ۱۱۹۸- در نماز قضا ترتیب واجب نیست، جز در میان قضای ظهر و عصر و مغرب و عشاء از یک روز.

مسأله ۱۱۹۹- کسی که چند نماز از او قضا شده و شماره آنها را نمی داند، مثلاً نمی داند دو نماز بوده یا سه نماز، کافی است مقدار کمتر را بخواند، اما اگر قبلاً شماره آنها را می دانسته، ولی به واسطه سهل انگاری فراموش کرده، احتیاط واجب آن است که مقدار بیشتر را بخواند.

مسأله ۱۲۰۰- کسی که نماز قضا از روزهای پیش بر ذمه دارد می تواند قبل از خواندن نماز قضا به نمازادای روزانه مشغول شود، مگر آنکه یک یا دو نماز قبل از آن باشد که بنابر احتیاط واجب باید قبلاً بجا آورد.

مسأله ۱۲۰۱- کسی که می داند یک نماز چهار رکعتی بر ذمه دارد، اما نمی داند قضای ظهر بوده یا عصر یا عشاء اگر یک نماز چهار رکعتی به نیت ما فی الذمه یعنی قضایی که بر عهده اوست بخواند کافی است و در بلند خواندن و آهسته خواندن حمد و سوره مخیر است.

مسأله ۱۲۰۲- هیچ کس نمی تواند نماز قضای دیگری را که در حال حیات استبه جا آورد، هر چند او از خواندن نماز قضا عاجز باشد، اما بعد از مردمانعی ندارد.

مسأله ۱۲۰۳- نماز قضا را می توان با جماعت خواند، خواه نماز امام جماعت ادا باشد یا قضا، ولی احتیاط این است که هر دو یک نماز را بخوانند، مثلاً نماز قضای ظهر را با نماز ظهر بخواند و نماز قضای عصر را با نماز عصر.

مسأله ۱۲۰۴- مستحب است کودکی که خوب و بد را تمیز می دهد به نماز خواندن و سایر عبادتها عادت دهند، بلکه مستحب است او را به قضای نماز تشویق کنند (البته نباید این کار به صورتی انجام گیرد که موجب ناراحتی و بیزاری او از نماز گردد).

نماز قضای پدر و مادر

مسأله ۱۲۰۵- بر پسر بزرگتر (یعنی بزرگترین پسری که بعد از مرگ آنها در حال حیات است) واجب است که نماز و روزه هایی که از پدر یا مادرش فوت شده و از روی نافرمانی نبوده و توانایی بر قضا داشته، بعد از مرگ آنها به جا آورد، بلکه اگر از روی نافرمانی هم ترک کرده باشد بنابر احتیاط مستحب باید به همین طور عمل کند، همچنین روزه ای را که در سفر نگرفته هر چند توانایی قضای آن را پیدا نکرده احتیاط آن است که پسر بزرگتر قضا نماید.

مواردی که نماز قضای پدر و مادر بر پسر بزرگتر واجب نیست

مسأله ۱۲۰۶- هرگاه شخص دیگری آن نماز و روزه را قضا نماید از پسر بزرگتر ساقط می شود.

مسأله ۱۲۰۷- اگر پسر بزرگتر نمی داند که از پدر یا مادرش نماز و روزه ای قضا شده یا نه، چیزی بر او واجب نیست و تفحص و جستجو نیز لازم نمی باشد.

مسأله ۱۲۰۸- اگر پسر بزرگتر از دنیا برود بر سایر پسران تکلیفی نیست.

مسئله ۱۲۰۹- اگر معلوم نباشد پسر بزرگتر کدام است یعنی تاریخ تولد پسرها درست روشن نباشد، قضای نماز و روزه پدر و مادر بر هیچ کدام واجب نیست، ولی احتیاط مستحب آن است که بین خودشان قسمت کنند.

مسئله ۱۲۱۰- پسر بزرگتر هنگام قضای نماز و روزه پدر و مادر باید به تکلیف خود عمل کند، یعنی دستورات نماز و روزه را مطابق حکم مرجع تقلید خود به جا آورد.

مسئله ۱۲۱۱- کسی که خودش نماز و روزه قضا دارد و نماز و روزه پدر و مادر نیز بر او واجب شده، هر کدام را اول به جا آورد صحیح است.

مسئله ۱۲۱۲- هرگاه پسر بزرگتر در موقع مرگ پدر یا مادر نابالغ یا دیوانه بوده، هر وقت بالغ و عاقل شود باید نماز و روزه پدر یا مادر را قضا نماید.

نماز استیجاری

مسئله ۱۲۱۳- اجیر گرفتن برای قضای نماز و عبادت‌های دیگر از طرف اموات خالی از اشکال نیست، مگر در حج و اگر کسی بخواهد در عبادت‌های دیگر اجیر بگیرد قصد رجا کند، اما به جا آوردن نماز و روزه قضا و همچنین نماز و روزه مستحبی به قصد قربت و بدون گرفتن اجرت اشکالی ندارد.

مسئله ۱۲۱۴- انسان می تواند برای بعضی از کارهای مستحب مانند زیارت قبر پیغمبر(صلی الله علیه وآله) و امامان(علیهم السلام) از طرف زندگان اجیر شود، ولی احتیاط واجب آن است که پول را برای مقدمات کار بگیرد و نیز می تواند اعمال مستحبی را انجام دهد و ثواب آن را به اموات یا زنده ها هدیه نماید.

مسئله ۱۲۱۵- کسی که برای نماز قضای میّت اجیر شده، باید مسائل نماز را بخوبی بداند و قرائت او صحیح باشد.

مسئله ۱۲۱۶- شخصی که می خواهد از طرف دیگری نماز یا روزه، یا عبادت دیگری، به جا آورد باید در موقع نیت، میّت را معین کند، لازم نیست اسم او را بداند، همین اندازه که علامت و نشانه ای برای او در قصد و نیت خود قرار دهد کافی است.

مسئله ۱۲۱۷- شخص نایب باید خود را به جای میّت فرض کند و عبادتی را که بر ذمه اوست قضا نماید و اگر عملی را انجام دهد و ثواب آن را برای او هدیه کند دین او ادا نمی شود.

مسئله ۱۲۱۸- در صورتی ذمه میّت ادا خواهد شد که اطمینان پیدا شود که نایب نماز را خوانده است و اگر شک کند کافی نیست، ولی اگر یقین داشته باشد نماز را خوانده اما نداند صحیح انجام داده یا نه اشکال ندارد.

مسئله ۱۲۱۹- اگر نایب بگوید نماز را خوانده ام تنها به گفته او نمی توان قناعت کرد مگر این که فرد مورد اطمینانی باشد.

مسئله ۱۲۲۰- شخصی که از میّت نیابت می کند باید کسی باشد که در انجام اجزاء و شرایط نماز معذور نباشد، مثلاً کسی که نشسته نماز می خواند نمی تواند

نایب شود، حتی بنا بر احتیاط واجب کسی که با تیمّم یا جبیره نماز می خواند نیابت نکند.

مسأله ۱۲۲۱- مرد می تواند برای زن و زن برای مرد نیابت کند و در بلند خواندن و آهسته خواندن نماز باید به وظیفه خودش عمل نماید، نه وظیفه میّت و لازم نیست قضای نمازهای میّت به ترتیب خوانده شود، خواه ترتیب آن را بدانند یا ندانند، مگر در مورد ظهر و عصر، یا مغرب و عشا از یک روز که رعایت ترتیب در آن لازم است.

مسأله ۱۲۲۲- کسی که اجیر برای قضای نماز و روزه می شود اگر طرز مخصوصی را با او شرط کنند (مثلاً بگویند نماز را باید در مسجد یا در فلان ساعت بخواند) باید به شرط عمل کند، اما اگر شرط خاصی با او نکنند مطابق تکلیف خود و طبق معمول انجام دهد و در مستحبات نیز آنچه معمول است به جا می آورد و بیش از آن لازم نیست مگر شرط کنند، خواندن نماز آیات نیز تا شرط نکنند لازم نیست.

مسأله ۱۲۲۳- هرگاه اشخاص متعدّدی را برای قضای نماز میّت اجیر کند لازم نیست برای هر کدام وقت معینی را تعیین نماید، بلکه آنها می توانند در هر وقت که بخواهند نماز را به جا آورند، ولی برای رعایت ترتیب بین نمازهای قضا احتیاط مستحب آن است که برای هر کدام از آنها وقتی را معین نماید، مثلاً با یکی قرار می گذارد که در فاصله صبح تا ظهر نماز قضا به جا آورد و با دیگری از ظهر تا شب و نیز بهتر است هر یک از آنها مقدار نمازی را که می خواند با دیگری شبیه باشد، مثلاً اگر از نماز ظهر شروع می کند و تا نماز صبح پایان می دهد (خواه یک شبانه روز بخواند یا چند شبانه روز) دیگری نیز از ظهر شروع کند و به صبح خاتمه دهد.

مسأله ۱۲۲۴- هرگاه شخص اجیر پیش از تمام کردن نماز و روزه ای که اجیر شده بود از دنیا برود درحالیکه اجرت همه آنها را گرفته، اگر شرط کرده باشند تمام نمازها را خودش به جا آورد باید اجرت مقداری را که نخوانده از مال او برگردانند و اگر چنین شرطی نکرده اند باید ورثه از مال او کسی را اجیر کنند تا باقیمانده را بجا آورد و اگر مالی ندارد چیزی بر ورثه واجب نیست، ولی بهتر است دین میّت را ادا کنند.

مسأله ۱۲۲۵- هرگاه اجیر پیش از تمام کردن عمل از دنیا برود و خودش نیز نماز قضا بر ذمه داشته باشد، باید از مال او برای نمازهایی که اجیر بوده دیگری را اجیر کنند و یا اگر شرط کرده اند خودش به جا آورد باقیمانده را برگردانند، اما برای نمازهای خودش نمی توانند از مال او بردارند مگر با رضایت ورثه و یا در صورتی که وصیّت کرده از ثلث مالش به مصرف نماز برسانند.